فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی ششم، شماره‌ی ۲، پاییز ۹۶، صفحات ٤٤-۹

بررسی اثرات سرمایه‌ی اجتماعی بر حکمروایی روستایی (مطالعه‌ی موردی: روستاهای شهرستان اردبیل)

وکیل حیدری‌ساربان[1]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹٦/۰٤/۱۵

چکیده

هدف از این پژوهش، شناسایی اثرات سرمایه‌ی اجتماعی بر حکمروایی روستایی (شهرستان اردبیل) است. این تحقیق از لحاظ هدف، توسعه‌ای؛ و از لحاظ ماهیّت، توصیفی و پیمایشی و نیز از نوع تحلیلی است.جامعه‌ی آماری این پژوهش را ساکنین بالای ۱۵ سال روستاهای اردبیل به تعداد ۱۲۳۲٦٤ تشکیل می‌دهندو برای محاسبه‌ی حجم نمونه آماری این جامعه از فرمول کوکران استفاده و حجم نمونه ۳۸۳ نفر انتخاب شد. در این تحقیق روش گردآوری داده‌ها برای پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق، به دو صورت داده‌های اولیه (اسنادی) و داده‌های ثانویه (پیمایشی) و ابزار مورد استفاده در روش پیمایشی پرسش‌نامه و مصاحبه بوده است.روایی صوری پرسش‌نامه توسط پانل متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۳۰پرسش‌نامه صورت گرفت و با داده‌های کسب‌شده و استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در نرم‌افزار SPSS، پایایی بخش‌های مختلف پرسش‌نامه‌ی تحقیق ۰/۸۳ الی ۰/۹۳ به‌دست آمد. نتایج تحقیق نشان داد که بین ابعاد مختلف سرمایه‌ی اجتماعی و حکمروایی روستایی منطقه‌ی مورد مطالعه رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

کلمات کلیدی: سرمایه‌ی اجتماعی، حکمروایی روستایی، توسعه‌ی روستایی، شهرستان اردبیل.

[1] دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی vheidari56@gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

مقدّمه و بیان مسأله

در بیش‌تر کشورهای در حال توسعه از جمله ایـران، نظـام برنامـه‌ریـزی و مـدیریّت توسـعه‌ی روستایی تقریباً به‌صورت متمرکز است و نظارت و توسعه‌ی روستاها از طریق سازمان‌هـای دولتـی و عمومی در سطح ملّی و محلّی انجام می‌پذیرد. مداخله‌ی دولت مرکزی در سیاسـت‌گـذاری‌هـا و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی- اقتصادی در این کشورها ضعف شدید مدیریّت محلّی را به‌دنبال داشـته است. نبود جایگاه نهادهای شهروندی سـازمان‌هـای غیردولتـی و بخـش مردمـی و خصوصـی در چارچوب اداری- سازمانی مانع از ابراز رسمی مطالبات و خواسته‌هـای ایـن بخـش‌هـا در شـرایط فعلی شده است (حیدری ساربان، ۱۳۹٤: ۱٥٦). شواهد نشان می‌دهد که شرایط کشورهای در حال توسعه و روند رو به رشد مهاجرت روستایی و متروکه شدن روستاها و اداره‌ی آن مناطق روستایی با رویکردها و رهیافت‌های سنّتی، شرایط نامناسبی را برای روستاها رقـم زده اسـت کـه ضـرورت تقویّت حکومت‌های محلّی و مشارکت مـردم و بخـش خصوصـی را در برنامـه‌ریـزی و مـدیریّت توسعه روستایی اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در شرایط جامعه‌ی امروزی نمی‌توان با رویکردهای سـنّتی مسائل و مشکلات روستاها را حل کرد، بلکه فقط با تغییر و اصلاح این رویکردهـا و بـه‌کـارگیری رهیافت نوین مدیریّتی می‌توان در صدد حل این مشکلات برآمد (دربان آسـتانه و دیگـران، ۱۳۸۹: ۱۰۱) از این رو لازمه‌ی پایداری توسعه‌ی روستایی در کشـورهای در حـال توسـعه، تمرکززدایـی نهادهای دولتی و مدیریّتی، واگذاری اختیارات، قدرت و صلاحیّت به حکومت‌های محلّی و سـایر ذی‌نفعان محلّی، کارآمدسازی و مسؤولیّت‌پذیری بیش‌تر در اداره‌ی امور روستایی است، که همـه‌ی این شیوه‌های جدید از اداره‌ی روستاها، الگویی به‌نـام حکمروایـی روسـتایی را مـی‌طلبـد. الگـوی حکمروایی روستایی با مشارکت هر سه عنصر آن یعنـی حکومـت، بخـش خصوصـی و جامعـه‌ی مدنی در صدد فراهم آوردن وسایلی برای حل مسائل و مشکلات روستایی شدن سریع است.

با این حال، نگاه کلاسیک به توسعه، می‌تواند شتاب گرفتن تحولّات اجتماعی، و نـابرابری بـین روستاها و شهرها را بیش از پیش نمایان سازد. بروز این نابرابری‌ها موجب ازهم‌گسـیختگی بافـت اجتماعی جوامع روستایی شده است، به‌گونه‌ای که از یک سـو هجـوم روزافـزون نیـروی فعّـال و جوان تولیدکننده‌ی روستایی را به سوی شهرها، به دلیل معضلات بی‌رونقی و بیکاری روسـتاییان و از سوی دیگر محرومیت از مواهب زندگی امروزی و احساس نابرابری را، درپی داشته است. بدین ترتیب، این واقعیت متجلّی می‌گردد که مسؤولان برنامه‌ریزی و اداره‌ی امور با چالش‌هـای بزرگـی چون مشکلات راهبردی آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی در شهرها و فرار سرمایه‌ها- اعمّ از مادی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

و انسانی- از مناطق روستایی کشور مواجه‌اند (لاله پور، ۱۳۸٦: ٦٥). ضرورت دارد که با سازماندهی مناسب و تقویت نظام‌های مدیریّتی مبتنی بر انتخاب مردمی و مشارکت حداکثری (حکمروایی خوب روستایی) گام‌های مؤثّری در مسیرباز مهندسی و توسعه‌ی نظام و شیوه‌های انجام وظایف قانونی و اداره‌ی مؤثّر و کارای جامعه‌ی روستایی، از جمله مشارکت و همکاری سازمان‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و مردم (سازمان‌های جامعه مدنی) برداشته شود.

تاکنون تعاریف متعدّدی از حکمروایی صورت گرفته است. یکی از تعاریف حکمروایی، تعریفی است که بانک جهانی، کمیته‌ی همکاری‌های توسعه، سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متّحد و مؤسّسات و سازمان‌های بین‌المللی توسعه بر آن اتفاق نظر دارند: حکمروایی یعنی «سیستم پیچیده‌ای از تعاملات بین ساختارها، سنّت‌ها، کارکردها (مسؤولیّت‌ها) و فرآیندها (عملکردها) که به‌وسیله‌ی سه ارزش کلیدی یعنی پاسخ‌گویی، شفافیّت و مشارکت مشخّص می‌شود» (UNDP, 1997: 68). هدف حکمروایی به حداکثر رساندن بهزیستی عمومی و توجه به بهره‌مندی مادّی و معنوی انسان‌ها و رفع نیازهای آنان وحمایت از حقوق اساسی و آزادی شهروندان در همه‌ی مکان‌ها و زمان‌ها است. علاوه بر آن، موضوع حکمروایی بر چگونگی دست یافتن به حکومتی که بتواند زمینه‌ساز توسعه‌ی مردم‌سالار و برابری‌خواهانه باشد، تأکید دارد (عربشاهی، ۱۳۸۳: ۹). با توجه به این برداشت، حکمروایی روستایی عبارتست از فرآیند تأثیرگذاری همهٔ ارکان دخیل روستایی بر مدیریّت روستایی، با تمام سازوکارهایی که با آن‌ها بتوان به سوی تعالی و پیش‌رفت روستا و مردم روستایی حرکت کرد (رکن الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲). به‌عبارت دیگر، حکمروایی روستایی همانا به اجرا درآوردن تصمیمات و سیاست‌های مردم روستایی، هم‌سو با منافع خودشان است که در عین حال با منافع ملّی، منطقه‌ای و محلّی نیز سازگار است. در این میان نقش دولت‌ها بیش‌تر در چارچوب فراهم‌کننده‌ی بسترهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، از جمله هماهنگ‌سازی و پاسداری از قوانین و میثاق‌های ملّی محدود می‌شود و از دخالت مستقیم آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و هم‌چنین اداره و اجرای امور مربوط به زندگی مردم کاسته می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که یکی از عوامل بسیار مهم در حکمروایی روستایی تقویّت سرمایه‌ی اجتماعی در مناطق روستایی است.

واکاوی ادبیات علوم اجتماعی نشان می‌دهد تهی شدن یک جامعه از سرمایه‌ی اجتماعی منجر به ناکارآمدی بسیاری از سیاست‌ها در حوزه‌ی برنامه‌ریزی می‌شود؛ چرا که سرمایه‌ی طبیعی، اقتصادی، فیزیکی، دانش فنّی و حتّی سرمایه‌ی انسانی در بستر وجود سرمایه‌ی اجتماعی بروز و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

ظهور می‌یابد و کارآمدی و تحقّق، یا عدم کارآیی و اثربخشی آن‌ها بسته به میزان سرمایه‌ی اجتماعی هر جامعه است (حیدری ساربان، ۱۳۹٤: ۹) و نیز، در غیاب سرمایه‌ی اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار می‌شوند. سرمایه اجتماعی به عنوان یک اصل محوری برای دست‌یابی به توسعه محسوب می‌شود(فوکویاما، ۱۳۷۹: ۸۵). تعاریف متعدّدی از سرمایه‌ی اجتماعی صورت گرفته است؛ در این میان پوتنام، سرمایه‌ی اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم، اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه‌ی اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آن را تأمین خواهد کرد (پوتنام[1]، ۱۹۹٤: ۹۱). به باور بوردیو، سرمایه‌ی اجتماعی منبعی است که از شبکه‌ی پایدار ارتباط و شناخت متقابل حاصل می‌شود، دیدگاه وی از سرمایه‌ی اجتماعی دیدگاه ابزاری است(بوردیو[2]، ۱۹۸۵: ۲٤۵).

بررسی ادبیّات توسعه نشان می‌دهد که در سایه‌ی تقویّت سرمایه‌ی اجتماعی و تقویّت مؤلّفه‌های تشکیل‌دهنده‌یآن می‌توان گامی اساسی در تحکیم، هم‌راستایی، هم‌سویی و هماهنگی جامعه‌ی مدنی، بخش خصوصی و دولت در نیل به توسعه‌ی پایدار روستایی برداشت (حیدری ساربان، ۱۳۹۵: ۱٦۵). در این ارتباط مطالعات کوروس[3] و دیگران (۲۰۰۷)، حاکی از آن است که روستاییانی که از سرمایه‌ی اجتمایی بیش‌تری بهره می‌گیرند، به‌راحتی توانایی تشکیل یک شبکه را دارند و متعاقب آن می‌توانند کسب‌وکار جدیدی را کشف و خلق کنند و نیز، به استناد منابع و متون مطالعه شده، حکمروایی روستایی، فرایند مستمری است که از طریق آن منافع متضاد یا متعارض با یکدیگر همراه می‌شوند و هم‌افزایی توسعه شکل می‌گیرد و به کنشی بر پایه‌ی همکاری که بیش‌تر با تقویت سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد روی آورده می‌شود؛ بنابراین حکمروایی خوب روستایی، زمینه‌ی تحقّق فرایندی را میسر می‌سازد و روستاییان را در سرنوشت‌شان سهیم برمی‌شمارد. چنین نگرشی از ضروریات فرایند توسعه‌ی پایدار روستایی قلمداد می‌شود که از طریق سازوکارهای ظرفیّت‌سازی، توانمندسازی و شبکه‌سازی که نوعی سرمایه‌ی اجتماعی قلمداد می‌شود عینیّت می‌یابد (رکن‌الدین افتخاری و دیگران، ۱۳۹۰: ۸-۵).

واکاوی اسناد و مدارک نشان می‌دهد که کشور ایران با داشتن بیش از ٦۵۰۰۰ آبادی که نزدیک به ۸۵ درصد منابع و ذخایر زیستی و طبیعی کشور را در خود جای داده‌اند، در زمره‌ی کشورهایی

[1] Putnam
[2] Borudieu
[3] Krause

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

است که برای دست‌یابی به توسعه روستایی و به دنبال آن، توسعه‌ی شهری و ملّی نیازمند ایجاد مدیریّتی قوی در روستاهاست (ایمانی جاجرمی و پوررجب، ۱۳۸۹: ۲۵) و یکی از مکانیزم‌ها و سازوکارهای بسیار قوی و نیرومند مدیریّت و حکمروایی روستایی تقویّت سرمایه اجتماعی است وضرورت مطالعه و تحقیق پیرامون سرمایه‌ی اجتماعی و حکمروایی روستایی از آن جایی ناشی می‌شود که حکمروایی مطلوب روستایی به دلیل کاهش هم‌افزایی نیروها، کاهش پیوندهای اجتماعی، تنزّل کیفیّت زندگی، مهاجرت روستاییان به شهرها، سست شدن اعتماد متقابل و خیرخواهی در بین روستاییان، پایین آمدن انسجام و همبستگی درون گروهی، کاهش مسؤولیّت‌پذیری و مشارکت در فعالیت‌های توسعه‌ای، عدم تبادل تجربه پنهان در بین روستاییان و تضعیف روابط شخصی، کاهش ارتقای نهادهای دولتی در مناطق روستایی، مدیریّت ضعیف منابع، تبادل اجتماعی پایین و عدم تعامل همکارانه و سست شدن عنصر صداقت در بین روستاییان با چالش‌هایی مواجه شده است و کسب آگاهی پیرامون تقویّت شاخص‌های حکمروایی روستایی و تأثیر مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در بهبود این شاخص‌ها، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تصمیم‌گیری است که مسؤولان و مدیران بایستی به آن توجّه جدّی داشته باشند. به‌عبارتی، جهت مساعدت به توسعه‌ی پایدار مناطق روستایی، لزوم توجّه به وضعیّت شاخص‌های حکمروایی و برنامه‌ریزی بر اساس نوسانات آن‌ها ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و با توجه به این که حکمروایی مناطق روستایی به‌عنوان یکی از ابعاد مهمّ توسعه‌ی همه‌جانبه روستایی برای برنامه‌ریزی مدیریّت توسعه‌ی پایدار روستایی مطرح است، لذا سهم به‌سزایی در توسعه‌ی پایدار روستایی خواهد داشت. هم‌چنین، در طی چند سال گذشته، در نواحی روستایی شهرستان اردبیل اتفاقات و مسائلی رخ داده که میزان شاخص‌های حکمروایی مطلوب مناطق روستایی را از منظر مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیّت، مسؤولیّت‌پذیری، اجماع‌محوری، تساوی حقوق و جامعیت، پاسخ‌گویی، کارآیی و اثربخشی و... تحت تأثیر قرار داده که به‌نظر می‌رسد بخشی از این مشکلات به دلیل عدم توجّه به سرمایه‌ی اجتماعی است. به این خاطر، این تحقیق به دنبال آن است که این سؤال را مورد بررسی و کاوش قرار دهد: که آیا بین سرمایه‌ی اجتماعی و حکمروایی در مناطق روستایی رابطه وجود دارد؟

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

پیشینه‌ی تحقیق

تاکنونی چندین مطالعه در خصوص حکمروایی روستایی صورت گرفته که در ذیل به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود.

رحمانی فضلی و همکارانش، در پژوهشی با عنوان «بنیان‌های نظری حکمروایی خوب در فرآیند مدیریّت روستایی نوین»، با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی از نوع اسنادی به این نتیجه رسیدند که نتایج حاصل از بررسی‌های نظری رویکرد حکمروایی خوب روستایی در روند مدیریّت توسعه روستایی نشان دهنده‌ی این است که این رویکرد با اصول، معیارها و شاخص‌های ذکر شده می‌تواند رویکردی مطلوب در ساختار نوین مدیریّت روستایی و همچنین نقشی وادارنده در روند توسعه‌ی پایدار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، فضایی و مدیریّت توسعه روستایی کشور داشته باشد (رحمانی فضلی، ۱۳۹۳: ٤۳). رکن‌الدین افتخاری و دیگران، در پژوهشی با عنوان «ارائه‌ی الگوی مناسب حکمروایی خوب روستایی در ایران»، با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی از نوع کاربردی به این نتیجه رسیدند که حکمروایی خوب روستایی در اکثر روستاهای مورد مطالعه از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده و نظام ساختاری روستا برآمده از عدم وجود تعادل یا همزیستی بین کنش‌گران (دولت، بازار و جامعه مدنی) با تأکید بر رهیافت مکانیکی، به‌جای رهیافت انسان‌گرا و نیز برنامه‌ریزی کارشناسانه، به‌جای برنامه‌ریزی مشارکتی بوده است که الگوی پیشنهادی (مطلوب) برای حکمروایی خوب روستایی باید به آن توجه نماید (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱). زیلابی، در پژوهشی با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در حکمرانی مطلوب در روستای توجردی، شهرستان بوانات، استان فارس»، با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی از نوع کاربردی به این نتیجه رسیدند که که سرمایه‌ی اجتماعی در روستای توجردی در حد متوسّطی بوده و چندگانگی در ابعاد مختلف آن وجود دارد. به‌طوری که در برخی مؤلّفه‌های اصلی سرمایه‌ی اجتماعی نظیر شبکه‌ی اجتماعی در حد میانی بوده، ولی در هیچ کدام از فاکتورها از قوّت و عملکرد مناسب برخوردار نبوده است. همچنین به دلیل تأثیر مهمّ سرمایه‌ی اجتماعی بر حکمروایی محلّی می‌توان از طریق ارتقاء سرمایه‌ی اجتماعی و افزایش مشارکت مردمی، حکمروایی محلّی را در روستای توجردی عملی ساخت (زیلابی، ۱۳۹٤: ٦٥).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

لوندز و ویلسون[1]، درمطالعات خود به این نتیجه رسید بین تقویت سرمایه‌ی اجتماعی با مدیریت پایدار و رواج کشاورزی ارگانیک درمناطق روستایی رابطه‌ی معناداری وجود دارد (لوندز و ویلسون، ۲۰۰٤: ٤۳۰). کنی[2]، معتقد است که سرمایه‌ی اجتماعی نقش مهمّی در تنوّع‌بخشی به اقتصاد روستایی، مشارکت در حوادث غیرمترقبه، توزیع بهینه منابع و امکانات، کاهش هزینه‌های تولید، افزایش بهره‌وری نیروی کار و کاهش بیکاری روستایی دارد (کنی، ۲۰۰۸: ۸۵). مطالعات میری و همکاران، موید این واقعیت است که تقویت سرمایه‌ی اجتماعی درمناطق روستایی کنش‌های ارتباطی روستایی آنرا بالا می‌برد تا حضور و ظهور داوطلبانه‌ی آن‌ها و به ویژه اقشارفقیردرصحنه‌های اجتماعی و اقتصادی تسهیل گردد و درنهایت از طریق فعال سازی مردم، زمینه‌ی توانمندی آن‌ها مهیا شود و احساس تعلق‌شان به مکان زندگی افزایش یابد (میری و همکاران، ۱۳۸۹: ٤۹-۲۹). دلا و مارتینی[3]، در مطالعات خود پیرامون تبیین رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و حکمروایی مطلوب روستایی دریافتند با تقویّت سرمایه‌ی اجتماعی میزان نظرخواهی از مردم نسبت به طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ی روستایی، میزان پایبندی روستاییان به قوانین و مقرّرات وضع شده و مشارکت روستاییان سیر صعودی به خود می‌گیرد (دلا و مارتینی، ۲۰۱٤: ۲٦۸).انکپن و تسانگ[4]، در یافته‌های میدانی خود به این نتیجه رسیدند هر چه قدر شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی در مناطق روستایی بالا رود به همان میزان رضایتمندی روستاییان از اقدامات مرتبط به مدیریّت روستایی، مؤثّر بودن اقدامات مدیریّت روستایی برای دست‌یابی به اهداف از پیش‌تعیین شده و اثربخشی و کارآیی برنامه‌های مرتبط با مدیریّت روستایی بهبود می‌یابد (انکپن و تسانگ، ۲۰۰۷: ۱٤۹). کویمان و همکاران[5]، در یافته‌های خود به این نتیجه رسیدند که سرمایه‌ی اجتماعی به مسؤولیّت‌پذیری روستاییان، تمرکززدایی، تحقّق طرح‌های در دست اجرا و شایستگی مدیران روستایی در پذیرش مسؤولیّت منجر می‌شود (کویمان و همکاران، ۲۰۱۰: ۵). فرانک و همکاران[6]، در تحقیق خود نشان دادند که در جایی که شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی قوی است روستاییان در توزیع برابر و عادلانه‌ی امکانات، دسترسی به فرصت‌های برابر و یکسان، توجّه به منافع جمعی، فراهم شدن حقوق شهروندی، استفاده‌ی معقولانه از منابع و امکانات و برابری

[1] Lowdes asand Wilson
[2] Kenny
[3] Della and Martini
[4] Inkpen and Tsang
[5] Kooiman and et al
[6] Frank and et al

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

جنسیّتی احساس عدالت می‌کنند و در کل عدالت‌محوری را در مناطق روستایی تجربه می‌کنند. مطالعات بولز و گینتز[1]، مؤیّد این واقعیّت است که بین ارتقایشاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی با ارتقای مؤلّفه‌های پاسخ‌گویی، مسؤولیّت‌پذیری، توافق جمعی، عدالت‌محوری و اثربخشی و کارآیی رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد. به باور ریتر[2]، سرمایه‌ی اجتماعی مناطق روستایی، باعث بهبود و موّفقیّت کارهای گروهی، کار مشارکتی، ایجاد ساز و کاری برای مشورت بین سازمان‌های رسمی توسعه‌ی روستایی و روستاییان و توافق جمعی می‌شود. نتایج تحقیق هوپ[3] نشان داد که تقویّت مؤلّفه‌های سرمایه اجتماعی از جمله ارتباطات اجتماعی، روابط افقی بر پایه‌ی همکاری و میزان آگاهی به نظرخواهی از مردم روستایی نسبت به طرح‌ها، به مصمّم بودن به اجرای تصمیمات گرفته شده و شفّافیّت منجر می‌شود.

با عنایت به مطالب فوق و مداقّه در تشابهات و تمایزات تحقیقات انجام شده می‌توان دریافت که اکثراً بر حکمروایی روستایی به عنوان رویکرد نوین در مدیریّت روستایی نگاه شده است و این رویکرد را به‌عنوان ساختاری نوین در مدیریّت و توسعه‌ی پایدار روستایی تلقّی کرده‌اند و در خصوص پیوند بین سرمایه‌ی اجتماعی و حکمروایی خوب روستایی در اکثر پژوهش‌های انجام شده سرمایه‌ی اجتماعی را در تقویت اعتماد متقابل روستاییان نسبت به هم‌دیگر، تحقّق طرح‌های در دست اجراء، پایبندی روستاییان به قوانین و مقررات وضع شده، ایجاد شبکه‌های اجتماعی غیررسمی، بهبود پاسخ‌گویی مسؤولان، بهبود موّفقیّت کارهای گروهی، ارتقای کنش ارتباطی در بین روستاییان، تقویّت تعلق مکانی و سرزمینی، رضایت‌مندی روستاییان از اقدامات مرتبط با مدیریّت روستایی، کمک به ارتقای کارآیی نهادهای دولتی در مناطق روستایی، تشکیل سازمان‌های غیردولتی، ارتقای مشارکت داوطلبانه‌ی روستاییان دربرنامه‌های توسعه‌ای روستایی و میزان روابط افقی بر پایه همکاری و مسؤولیّت‌پذیری و غیره در حکمروایی روستایی تأثیرگذار می‌دانند.

[1] Bowles and Gintis
[2] Ritter
[3] Hope

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

مبانی‌نظری

برخی از اندیشمندان، حکمروایی را فرآیندهای جدید اداره‌ی عمومی جامعه تعریف کرده‌اند. در برخی کاربردها این واژه با دولت حداقلّی، حکمرانی شرکتی، مدیریّت عمومی نوین، نظام اجتماعی سیبرنیتیک و شبکه‌های خود سازمان‌دهنده معادل گرفته شده است.

اندیشمندان علوم اجتماعی از زوایای متعدد به ترمینولوژی و مسأله‌شناسی حکمروایی پرداخته‌اند که در این بین، بوئنینگر، برای حکمروایی سه بعد فنّی، سیاسی و نهادی قابل‌تصور است (بوئینگر[1]، ۱۹۹۱: ۱۵). هارم و بوئینگ (۱۹۹۷) بعد فرهنگی را نیز به این ابعاد اضافه می‌کنند. از نظر بوئنینگر (۱۹۹۱)، این بعد به محدویت‌های تحمیل شده بر منابع طبیعی، سطوح آموزش، مهارت‌های نیروی انسانی و ظرفیّت صنعتی هر مکان معین (اعم از شهر یا روستا) اشاره دارد. اصلی‌ترین مشخصه‌ی بعد فنّی عبارت است از رشد اقتصادی حاصل از عملکرد حکمرانان. بعد سیاسی با بعد فنّی پیوند نزدیکی دارد. سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی برای یک اجتماع معیّن را نمی‌توان بدون درک فرآیندهای تصمیم‌گیری در آن ملاحظه کرد. از نظر پاتر، این فرآیندها همان روابط قدرت در درون و میان کنش‌گران و نهادهای سیاسی است. بعد نهادی حکمروایی، حاکی از شکست سازوکارهای موجود بر ارائه‌ی خدمات یکسان به همه‌ی گروه‌های اجتماعی است. نهادهای مستقر در بخش خصوصی وعمومی به تدریج تغییر می‌کنند، اما هم‌چنان از طریق فشار، سلسله مراتب، تخریب، انحطاط و فساد، سعی در حفظ وضع موجود دارند (پاتر[2]، ۲۰۱۰: ٦٨). پاندای[3]، با انتقاد از ابعاد فنّی و سیاسی، استدلال می‌کند که فقط پیشرفت اقتصادی و اجتماعی اهداف توسعه نیستند، بلکه آزادی بیان، آزادی مشارکت و حق برخورداری از تشکیلات سیاسی نیز بخشی از وجوه مهم‌تر و معنادارتر زندگی انسان‌ها هستند. حکمروایی خوب نمی‌تواند در همه‌ی جوامع، بنیادهای یکسانی داشته باشد، بلکه باید مبتنی بر فرهنگ متمایز محلّی و تاریخ ویژه‌ی دولت و نهادهای آن باشد. دولت در خلاء فعالیت نمی‌کند، بلکه در محیطی عمل می‌کند که مردم در آن باورها و ارزش‌های مشترکی دارند و برای برخی اهداف، رقابت و برخی اهداف دیگر، مشارکت می‌کنند و دیدگاه‌های متفاوتی درباره‌ی قدرت و نحوه‌ی فعالیّت آن دارند. کیفیّت حکمروایی، از فرهنگ جامعه نشأت می‌گیرد؛ از این رو، این کیفیّت از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر و از دوره‌ای به دوره‌ی دیگر متفاوت است (پاندای، ۲۰۰۵: ١٦).

---

[1] Boninger
[2] Pater
[3] Panday

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

بررسی ادبیات مدیریت حاکی از آن است که در تبیین کارآمدی حکومت یا کیفیت حکمروایی، دومجموعه از رهیافت‌های نظری را می‌توان کم و بیش ازهم تمییز داد. یک مجموعه برعوامل فرهنگی- اجتماعی تأکید دارد و تغییرات کیفیت حکمروایی را با مراجعه به این عوامل تبیین می‌کند. مجموعۀدیگر بر عامل توسعۀ اقتصادی تأکید کرده و تأثیرآنرا بر مناسبات دولت و جامعه مطالعه کرده است. این دسته از نظریه پردازان استدلال کرده‌اند که همبستگی مثبتی بین توسعۀاقتصادی و کارآمدی حکمرانی وجود دارد، ولی تأثیرگذاری آنرا ازطریق ایجاد تغییرات اجتماعی- فرهنگی می‌دانند (پیره[1]، ۲۰۰۰: ۸ و پولیت[2]، ۱۹۹۵: ۱۳۹). در رویکرد فرهنگی و اجتماعی، شرایط لازم حکمروایی خوب وکارآیی یک حکومت، وجود فرهنگ و زندگی مدنی است. توکویل از جمله اندیشمندانی است که میان نهادهای اجتماعی و ویژگی‌های سیاسی پیوند برقرار کرد. پاتنام و فوکویاما بر اهمیت سنّت‌ها و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع که از آن‌ها به‌عنوان سرمایه‌ی اجتماعی یاد می‌شود و تأثیر آن بر عملکرد موّفق نهادهای سیاسی و اقتصادی تأکید دارد. توکویل در اثر خود با عنوان دموکراسی در آمریکا وجود فرهنگ مشارکتی جمعی و تجلّی آن، یعنی وجود انجمن‌های داوطلبانه انبوه و متنوع مردمی را مهم‌ترین عامل موّفقیّت در آمریکا می‌نامد. ایشان بر این عقیده هستند که با افزایش انجمن‌های اجتماعی و تقویّت جامعه‌ی مدنی در قالب تقاضاها و حمایت‌ها از نظام سیاسی می‌توانند با تأثیر بر تصمیمات و کنش‌های دولت، بر کارآمدی و پاسخ‌گویی نظام سیاسی بیفزایند (استون[3]، ۱۹٦۵: ٦۷). به باور گریندل[4]، اعتماد اجتماعی، تساهل و احساسات کارآمد که نمایان‌گر فضائل مدنی هستند، موجب کارکرد مؤثّر نهادهای دموکراتیک و کارآمدی حکومت می‌شوند (گریندل،۲۰۰۹: ۸۹). به باور هابرماس[5]، حکمراوایی خوب زمانی محقّق خواهد شد که زیست‌جهان (فضای کنش ارتباطی که محل خیزش و تولید اجتماعی و محل فعالیت انجمن‌های مدنی است) قوی گردد (هابرماس، ۱۳۸٤: ۱۷۸). به باوردوین[6]، میزان کارآمدی نهادهای دموکراتیک به فرهنگ مدنی، ارزش‌های ابراز وجود (عضویت انجمنی) و اعتماد بستگی دارد (دوین، ۲۰۰۷: ۱٤۵). به باور پاتنام[7]، سرمایه‌ی اجتماعی بالا به حکمرانی خوب می‌انجامد و از سوی دیگر حکومت‌های خوب، بهتر می‌توانند

[1] Pierre
[2] Pollitt
[3] Easton
[4] Grindle
[5] Habermas
[6] Devine
[7] Putnam

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

سرمایه‌ی اجتماعی راحفظ کنند و کمتر آن را تخریب می‌کنند (پاتنام، ۱۹۹٤: ۱٤٥). به زعم گروتارت[1]، سرمایه‌ی اجتماعی موجب داشتن حکومت خوب و کارآمد می‌شود (گروتارت، ۲۰۰۱: ۱٦۹). از منظر مارتین[2](۲۰۰٥)، در کشورهایی که از سرمایه‌ی اجتماعی بالاتری برخوردار هستند عملکرد حکومتی مناسب‌تر و رونق و رشد اقتصادی بیش‌تری خواهند داشت (مارتین، ۲۰۰٥: ۲۳٥) باسیل و کلادیو[3] بر این باور است که سرمایه‌ی اجتماعی از عوامل مهمّ مؤثّر بر حکمرانی خوب به‌شمارمی‌رود (باسیل و کلادیو، ۲۰۰۷: ۹۷). به باور مارتین (۲۰۰۳)، حکمروایی خوب، تابعی از تشریک مساعی شبکه‌ای از کنش‌گران حکومت محلّی، بخش خصوصی، تشکّل‌های غیردولتی، مدنی و نمایندگان دولت مرکزی در راستای تحقق خواسته‌ها و رفع مشکلات است که این مهم تا حدّ بسیار زیادی در گرو تقویت سرمایه‌ی اجتماعی بین این کنش‌گران است (مارتین، ۲۰۰٥: ۲٦٥). سمپسون[4]، بر این اعتقاد است که پیوندهای اجتماعی، تراکم و فشردگی انجمنی و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه می‌تواند به درگیرشدگی و مشارکت مدنی بیش‌تر شهروندان در پیوند با حکمروایی خوب بیانجامد (سمپسون، ۲۰۰٥: ۲٤). به باور ریتر، بین مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد اجتماعی و فعالیّت‌های داوطلبانه رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد و اگر مجموعه نظریّه‌ها و پژوهش‌های تجربی ارائه شده بیان‌گر دو ترکیب علّی برای تحقّق حکمروایی خوب باشند، یک نقطه‌ی مشترک در همه نظریه‌های مورد بحث وجود دارد و آن نکته اشتراک این است که برای تحقّق حکمرانی خوب سرمایه‌ی اجتماعی لازم است. سرمایه‌ی اجتماعی به مشارکت فعّال شهروندان در سیاست منجر می‌شود و این فرصت را برای شهروندان فراهم می‌کند که خودشان مشارکت فعّالی در تصمیم‌گیری‌ها داشته باشند و کنش‌های جمعی به راحتی منجر به نتیجه گردد. در نتیجه این تعاملات هم شهروندان عقلانی می‌شوند و هم فضای جامعه در سطح نخبگان رقابتی می‌شود. با افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و تعامل دولت و مردم در پروژه‌های مشترک، مشارکت مدنی در بین شهروندان نهادینه می‌شود و به بهبود حکمراوایی کمک می‌کند. در واقع، از طریق تبادل ارتباطات، اعتماد و انرژی بین تمام نیروها و بخش‌های جامعه (نظام سیاسی و شهروندان) چرخه‌ی عقلانی ناظر بر تبادل اطلاعات و انرژی بین دولت، جامعه‌ی مدنی و بخش

[1] Grootart
[2] Martin
[3] Basile and Claudio
[4] Sampson

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

خصوصی رخ می‌دهد. این چرخه‌ی عقلانی منجر به بالا رفتن کارآیی همزمـان جامعـه و دولـت و حکمراوایی خوب منجر می‌گردد (ریتر، ۲۰۱۵: ۳۳).

بررسی متون توسعه‌ی روستایی نشان می‌دهد که همگام با پیشرفت‌های اخیر در علم مدیریّت، شیوه‌ی جدید اداره‌ی نواحی روستایی یعنی، حکمروایی در مناطق روستایی مطرح شده استکه مرز بین حکومت و جامعه مدنی محسوب می‌شود (بدری و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۰). در واقع بررسی تجارب و نظریّات موجود در عرصه مدیریّت حاکی از آن است، حفظ تعادل بین نیازهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی نسل حاضر و آینده، تغییر پارادایمی را در اداره‌ی امور جامعه ایجاد کرده است که این تغییر پارادایم به ورود مفاهیمی مانند مشارکت شهروندی، جامعه‌ی مدنی، شفّافیّت، پاسخ‌گویی، عدالت و برابری در کنار کارایی و اثربخشی مدیریّت محلّی انجامیده استو «حکمروایی» را به‌عنوان پیش‌شرطی برای توسعه‌ی پایدار و الگوی مناسبی برای مدیریّت روستایی معرّفی می‌نماید. این مفهوم کمتر از یک دهه است که در ادبیات مدیریّت با الهام از اصول «حکمروایی» وارد شده است، اما کارکرد ارزشمند آن در بهره‌برداری بهینه از حدّاقل منابع موجود با رویکرد اثربخشی، شفّافیّت و پاسخ‌گویی، برابری در ارائه‌ی خدمات و جلب مشارکت همه کنشگران در عرصه‌یمدیریّت باعث شده است تا به سرعت به عنوان مبنای ارزیابی مدیریّت مورد توجّه قرار گیرد و سرمایه‌ی اجتماعی سازوکار آن محسوب می‌شود (دربان آستانه و رضوانی، ۱۳۹۰: ۱۸۰) و سرمایه‌ی اجتماعی در مناطق روستایی به عنوان منبع اساسی در مناطق روستایی محسوب می‌شود به این دلیل که کنش‌های آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده و کیفیت زندگی جوامع روستایی را از هر منظر بهبود می‌بخشد (تیپوه و ریمر[1]، ۲۰۰۷: ٤۲۷-٤۲٦). در کلامی دیگر، سرمایه‌ی اجتماعی زمینه‌ای مناسب برای دست‌یابی به یک مدیریّت و حکمروایی مطلوب در راستای رسیدن به یک زندگی اجتماعی یکپارچه و امن در مناطق روستایی است (دل‌فروز، ۱۳۸۷: ۱۰۱) افزون بر این، سرمایه‌ی اجتماعی مجموعه‌ای از ارزش‌ها و رسوم مشترک برای هدایت اجتماعی جوامع است و در روابط افراد، اعتماد و یک عقل جمعی و مسؤولیّت مدنی ظاهر می‌کند و جامعه‌ی روستایی را به چیزی بیش‌تر از مجموعه افراد در راستای نیل به حکمروایی مطلوب روستایی تبدیل می‌کند (نارایان و پریچت[2]، ۱۹۹۷: ۸۷٤).

[1] Tiepoh and Reimer
[2] Narayan and Pritchett

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

واکاوی اسناد و مدارک نشان می‌دهد که رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و حکمروایی خوب را در چهار دیدگاه متمایز مقوله‌بندی می‌کنند: رویکرد اجتماع‌گرایی، رویکرد شبکه‌ای، رویکرد نهادی و رویکرد همیاری. رویکرد اجتماع‌گرایی بر این نظر است که سرمایه‌ی اجتماعی ذاتاً خیّر است، هر چه بیش‌تر باشد بهتر است و وجود آن همواره اثری مثبت بر حکمروایی خوب دارد. رویکرد شبکه‌ای هر دو جنبه‌ی مثبت و منفی سرمایه‌ی اجتماعی را به‌حساب‌می‌آورد. این رویکرد به اهمیّت پیوندهای عمودی و افقی در بین مردم و روابط درونی و فیمابین می‌پرازد (عباسی و فراستخواه، ۱۳۹۳: ۲۸ به نقل از ولکاک و نارایان، ۱۳۸٤: ٥٤۰). رویکرد سوم (نهادی) مدعی است که سرزندگی شبکه‌های اجتماعی عمدتاً محصول محیط سیاسی، قانونی و نهادی است. استدلال طرفداران این رویکرد بر این است که خود ظرفیّت گروه‌ها برای عمل کردن در راستای منافع جمعی، وابسته به کیفیّت نهادهای رسمی است که تحت تأثیر آن قرار دارند (نورث، ۱۹۹۰: ۷٤). در قالب این رویکرد، مواردی چون «اعتماد همگانی»، «حاکمیت قانون»، «آزادی‌های مدنی» و «کیفیت دیوان‌سالاری» با حکمروایی خوب همبستگی دارند (ناک و کیفر به نقل از ولکاک و نارایان، ۱۳۸٤: ٥٤٦). رویکرد همیاری می‌کوشد که آثار قوی دو دیدگاه شبکه‌ای و نهادی را در یکدیگر ادغام کند. در پایان، چارچوب نظری پژوهش در شکل (۱) به نمایش درآمده است.

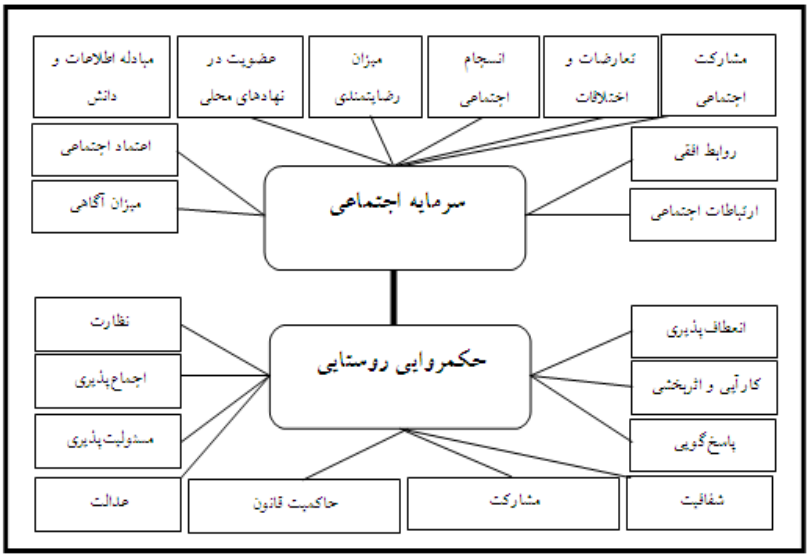

شکل ۱: چارچوب نظری پژوهش (مآخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

روش تحقیق

هدف کلی این تحقیق بررسی اثرات سرمایه‌ی اجتماعی در حکمروایی روستایی است. روش تحقیق به‌صورت پیمایشی انجام‌شده و از نوع توصیفی – تحلیلی است. جهت جمع‌آوری اطلاعات، از طریق پرسش‌نامه به روستاییان بالای ۱۵ سال ساکنِ در مناطق روستایی شهرستان اردبیل که جامعه‌ی آماری تحقیق را تشکیل می‌دهد، مراجعه شد. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش،شامل روستاییان ساکن در مناطق روستایی شهرستان اردبیل هست (N= ۱۲۳۲٦٤) که با توجّه به مشخص بودن جامعه‌ی آماری مورد مطالعه از فرمول کوکران (شماره ۱) برای استخراج حجم نمونه‌ی آماری (n=383) استفاده شد.مقدار اشتباه مجاز یا درصد خطا ۰/۰۵ درصد است. ابزار اندازه‌گیری پرسش‌نامه محقق ساخته بوده است و روایی صوری[1] پرسش‌نامه توسط پانل متخصصان[2] مورد تأیید قرار گرفت. در جدول (شماره ۱) تعداد روستاها و حجم نمونه‌ی انتخاب شده از این روستا مشخص شده است. ازآنجایی که نوع روستا از لحاظ اوضاعطبیعیدر منطقه، در سه دسته‌ی کلی روستاهای جلگه‌ای، کوهستانیو جلگه‌ای – کوهستانی قرارگرفته بودند، طی بررسی‌ها مشخص شد که در سطح روستاهای اردبیل، درمجموع ۸۱ روستای جلگه‌ای، ۱٤٤روستای کوهستانیو ۱۰٤ روستای جلگه‌ای – کوهستانی وجود دارد. بر اساس شاخص وضعیت ارتفاعی، تعداد نه روستا از نوع کوهستانی (٤۵ درصد)، پنج روستا از نوع جلگه‌ای (۲۵ درصد)و شش روستا نیز از نوع جلگه‌ای – کوهستانی (۳۰ درصد) به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. افزون بر این، درتحقیق حاضر جهت تعیین روایی پرسشنامه‌ی تهیه‌شده، از نظر تنی چند ازهمکاران صاحب‌نظر در حیطه‌ی موضوع مورد مطالعه استفاده شده است. هم‌چنین استفاده برای تعیین پایایی کمی پرسشنامه نیز ازضریب آلفای کرونباخ، استفاده شد که مقدار آلفای مذکور ۰/۸۳ تا ۰/۹۳ محاسبه شد. متغیّرهای مستقل این تحقیق شامل مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، میزان تعارضات و اختلافات، میزان رضایتمندی، میزان آگاهی، ارتباطات اجتماعی، میزان روابط افقی بر پایه‌ی همکاری، میزان مبادله اطلاعات و دانش، تمایل به عضویت در نهادهای محلی) و حکمروایی روستایی متغیر وابسته با مؤلّفه‌های آن (شفافیت، مشارکت، حاکمیت قانون، عدالت، مسؤولیّت‌پذیری، پاسخگویی، کارایی و

[1] Face Validity
[2] Panel of Expert

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

اثربخشی، اجماع پذیری، انعطاف‌پذیری و نظارت) است. برای تجزیه و تحلیل از آزمون آماری پیرسون و رگرسیون چند متغیّره استفاده شده است.

جدول (۱): تعداد روستاهای موردمطالعه به تفکیک نمونه

بخش	دهستان	روستا	تعداد نمونه	بخش	دهستان	روستا	تعداد نمونه
مرکزی	غربی	ابربکوه	۱۸	هیر	فولادلوی جنوبی	اینلو	۲۲
مرکزی	کلخوران	سامیان	۲۲	مرکزی	ارشق شرقی	تقی دیزج	۲۳
مرکزی	کلخوران	آق چه کند	۱۸	مرکزی	ارشق شرقی	پیراقوم	۲۰
مرکزی	بالغلو	بنفشه درق	۱۷	مرکزی	ارشق شرقی	جمایران	۱۹
هیر	کلخوران	تازه کند شریف آباد	۱۹	مرکزی	غربی	رویندزق	۱۸
مرکزی	شرقی	تپراقلو	۱٦	هیر	هیر	دمدمه	۱۷
مرکزی	سردابه	وکیل آباد	۲۵	مرکزی	بالغلو	حکیم قشلاقی	۲۳
مرکزی	بالغلو	حسن باروق	۱۹	هیر	فولادلوی شمالی	خلیل آباد	۱۵
مرکزی	کلخوران	گیلانده	۱۹	مرکزی	کلخوران	سلطان آباد	۱٤

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵.

در این تحقیق برای سنجش سرمایه‌ی اجتماعی، از ده مؤلّفه‌ی؛ اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، میزان تعارضات و اختلافات، میزان رضایت‌مندی، میزان آگاهی، ارتباطات اجتماعی، میزان روابط افقی بر پایه‌ی همکاری، میزان مبادله‌ی اطلاعات و دانش، تمایل به عضویت در نهادهای محلی استفاده شده است. در جدول (۲)، برخی گویه‌های به‌کاررفته برای سنجش هریک از مؤلّفه‌ها ذکرشده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

جدول(۲): برخی گویه‌های به‌کاررفته در تحقیق جهت سنجش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

مؤلّفه	گویه
اعتماد اجتماعی	میزان اعتماد مردم به یکدیگر، میزان اعتماد مردم به نهادهای اجتماعی موجود در روستا، میزان اعتماد مردم به «شورای اسلامی» و عملکرد آن، میزان اعتماد به شورای روستا، اعتماد به همسایگان، میزان اعتماداهالی روستا به سیستم ارائه خدمات حمل‌ونقل روستایی.
مشارکت اجتماعی	صحبت کردن با اهالی روستا در مورد مشکلات روستا، تشویق روستائیان برای شرکت در فعالیت‌های جمعی، مشارکت در حفظ و زیباسازی روستا، مشارکت در برنامه‌های عمرانی روستا، همفکری و مشارکت در رفع مشکلات روستا، میزان مشارکت درزمینه‌ی فکری و مشورتی در بهبود محل زندگی و محلّه، میزان مشورت با همسایگان خود.
انسجام اجتماعی	میزان گردهمایی و جلسات در روستا، تغییر ارزش‌های مشترک در طول زمان، افزایش همدلی و یکرنگی، حل اختلافات روستا به‌صورت کدخدامنشانه، تقویت نهادهای محلی موجود، میزاندرگیریونزاعبینساکنینروستا، میزان انحرافات اجتماعی و ناهنجاری‌ها در روستا، میزان مراجعه با ریش‌سفیدان.
میزان تعارضات و اختلافات	کدورت و کینه بین اهالی روستا، برخوردها ی طایفه‌ای، اختلافات سیاسی و خطی در بین روستائیان، اختلاف بر سر مالکیت زمین، اختلاف بر سر مسائل جزئی.
میزان رضایت‌مندی	میزان صمیمیّت در بین اهالی روستا، میزان رضایت از عملکرد شورا و دهیار در روستا، میزان رضایت اهالی روستا از درآمد، میزان رضایت از همکاری اهالی، رضایت از نوع شغل.
میزان آگاهی	میزان سواد (تحصیلات)، میزان استفاده کردن از رسانه‌های صوتی و تصویری، میزان استفاده از اینترنت، شرکت کردن در کلاس‌های آموزشی، میزان استفاده از رسانه‌های مکتوب.
ارتباطات اجتماعی	رفت‌وآمد و ارتباط با اهالی روستا، ارتباط با نهادها و تشکیلات دولتی، آگاهی مسؤولان از نیازهای مردم، اهمیت به بازدید از اقوام و خویشاوندان، تعامل با دیگر اهالی روستا، میزان تعامل با شورا و دهیاری، میزان حضور در مسجد.
میزان روابط افقی بر پایه‌ی همکاری	همکاری در انجام کارهای عمرانی، همکاری اهالی روستا در صورت کم‌آبی، همیاری برای هدف مشترک،
میزان مبادله‌ی اطلاعات و دانش	منبع اطلاعات در تصمیم‌گیری‌های زندگی، روش‌های جست‌وجوی کار، استفاده از دوستان و اقوام به‌عنوان منبعی برای یافتن اطلاعات در مورد کار، استفاده از اینترنت برای تماس با دهیار و شورا، تبادل و اشتراک اطلاعات و دانش در بین افراد.
تمایل به عضویت در نهادهای محلّی	تمایل به عضویت در تشکّل‌ها، عضویت در انجمن‌های مذهبی، عضویت در گروه های ورزشی، عضویت در انجمن‌های محلّی، عضویت در انجمن‌های خیریه، عضویت در انجمن‌های صنفی، توانایی نهادهای محلی روستایی درارائه خدمات.

منبع: یافته‌های تحقیق،۱۳۹۵

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

در نهایت در این تحقیق، فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار گرفته است.

۱. بین سرمایه‌ی اجتماعی و حکمروایی روستایی رابطه وجود دارد.

۱,۱. بین سرمایه‌ی اجتماعی و انعطاف‌پذیری رابطه وجود دارد.

۱,۲. بین سرمایه‌ی اجتماعی و کارآیی و اثربخشی رابطه وجود دارد.

۱,۳. بین سرمایه‌ی اجتماعی و پاسخ‌گویی رابطه وجود دارد.

۱,٤. بین سرمایه‌ی اجتماعی و شفّافیّت رابطه وجود دارد.

۱,۵. بین سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت رابطه وجود دارد.

۱,٦. بین سرمایه‌ی اجتماعی و حاکمیت قانون رابطه وجود دارد.

۱,۷. بین سرمایه‌ی اجتماعی و تحقّق عدالت رابطه وجود دارد.

۱,۸. بین سرمایه‌ی اجتماعی و مسؤولیّت‌پذیری رابطه وجود دارد.

۱,۹. بین سرمایه‌ی اجتماعی و اجماع‌پذیری رابطه وجود دارد.

۱,۱۰. بین سرمایه‌ی اجتماعی و نظارت رابطه وجود دارد.

منطقه‌ی مورد مطالعه

استان اردبیل در شمال غربی فلات ایران، با بیش از ۱۸ هزار و ۵۰ کیلومتر مربع، یک درصد مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد و این استان براساس تازه‌ترین تقسیمات کشوری، دارای ۹ شهرستان، ۲۵ بخش، ٦٦ دهستان و ۲۱۹۳آبادی است. شهرستان‌های اردبیل، نمین، نیر، بیله‌سوار، پارس‌آباد، خلخال، کوثر، مشکین‌شهر و گرمی شهرهای آن را تشکیل می‌دهند. شکل(۱) محدوده منطقه‌ی مورد مطالعه را در سطح کشور نشان می‌دهد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

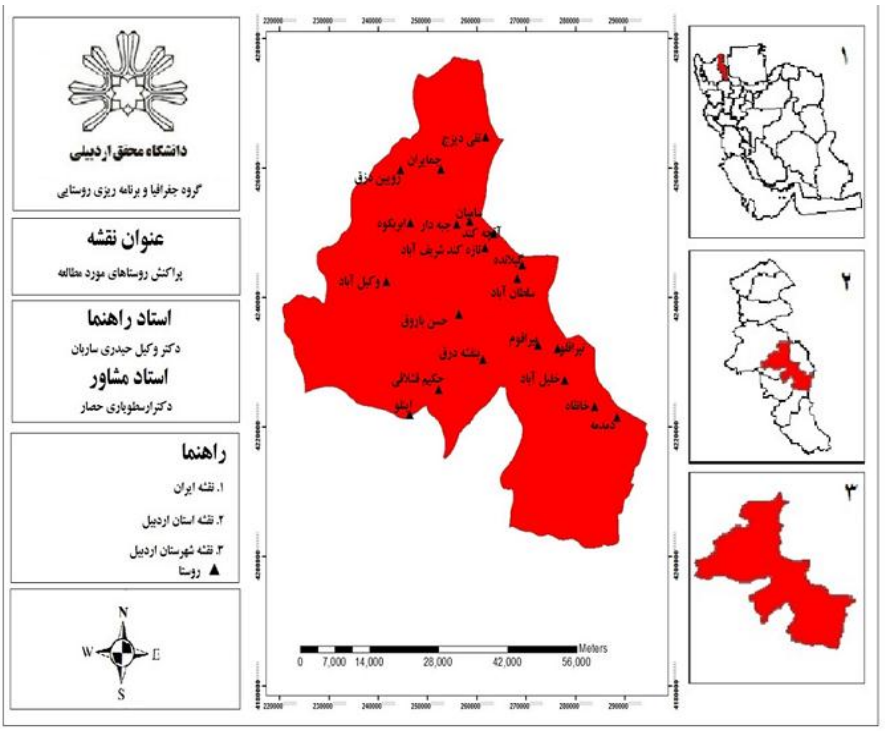

شکل (۱): موقعیت جغرافیایی روستاهای اردبیل

یافته‌های پژوهش؛ الف)یافته‌های توصیفی تحقیق؛ ویژگی نمونه‌های مورد مطالعه پژوهش

۱. توزیع فراوانی بر حسب گروه سنی، وضعیت تأهل و جنسیّت

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که نمونه‌های آماری مورد مطالعـه، در محـدوده‌ی سـنّی ۱۶ الی ۷۳ سال قرار دارند. همان‌طور که جدول (۳) نشان می‌دهد بیش‌ترین تعداد نمونه در گروه سنّی ۲۰ الی ۳۵ قرار دارند که میانگین گروه سنّی مورد مطالعه ۲۷/۵ می‌باشد. بررسی وضعیّت تأهل نیز نشان داد ۶۸/۷ درصد (۲۶۳ نفر) متأهل و ۳۱/۳ درصد (۱۲۰ نفر) در تحقیق حاضر مجرد هستند؛و همچنین بررسی وضعیت جنسیت نیز نشان داد ۵۹/۵ درصد (۲۲۸ نفر) مـرد و ۴۰/۵ درصـد (۱۵۵ نفر) زن را تشکیل می‌دهند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

جدول شماره (۳): توزیع فراوانی و درصد (گروه سنّی،وضعیّت تأهل،جنسیّت)

گروه سنی	فراوانی	درصد
۲۰ سال و کمتر	٤٥	۱۱/۷
۳۵-۲۰ سال	۲۰۷	٥٤/۰
۵۰-۳۵ سال	۱۰۰	۲٦/۱
٦٥-۵۰ سال	۲٤	٦/۳
٦٥ سال به بالا	۷	۱/۸
جمع	۳۸۳	٪۱۰۰
وضعیت تأهل		
مجرد	۱۲۰	۳۱/۳
متأهل	۲٦۳	٦۸/۷
جمع	۳۸۳	٪۱۰۰
وضعیّت جنسیّت		
مرد	۲۲۸	٥۹/٥
زن	۱٥٥	٤۰/٥
کل	۳۸۳	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵.

۲. توزیع فراوانی بر حسب میزان تحصیلات و شغل اصلی

همان‌طور که جدول (٤) نشان می‌دهد از میان ۳۸۳ نفر نمونه‌ی آماری موردمطالعه، ۱۰نفر (٦/۲ درصد) بی‌سوادند، ۱۲٦ نفر (۳۲/۹ درصد) با آموزش نهضت سوادآموزی، توانایی خواندن و نوشتن دارند. ۹۷ نفر (۲۵/۳ درصد) در مقطع ابتدایی تحصیل‌کرده‌اند و ۹٤ نفر (۲٤/٥ درصد) در مقطع راهنمایی و ۲۰ نفر (٥/۲ درصد) در مقطع متوسّطه و ۲۸ نفر (۷/۳ درصد) در مقطع دیپلم و ۸ نفر (۱/۲درصد) نیز مدرک فوق‌دیپلم و بالاتر دارند. بررسی وضعیّت شغلی نشان داد که از تعداد پاسخگویان برحسب نوع شغل ۷/٦ درصد کارمند، ۱۱/۲ درصد مغازه‌دار،۱۱/۰ درصد دانشجو، ۳۷/۹ درصد بیکار، ۱٦/۷ درصد کارگر، ۱٥/۷ درصد کشاورز بوده‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

جدول (٤): میزان تحصیلات نمونه‌ی فردی و شغل اصلی مورد مطالعه

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
بی‌سواد	۱۰	۲/٦
خواندن و نوشتن	۱۲٦	۳۲/۹
ابتدایی	۹۷	۲۵/۳
راهنمایی	۹٤	۲٤/۵
متوسّطه	۲۰	۵/۲
دیپلم	۲۸	۷/۳
فوق‌دیپلم و بالاتر	۸	۱/۲
جمع	۳۸۳	۱۰۰/۰
وضعیت شغلی		
کارمند	۲۹	۷/٦
مغازه‌دار	٤۳	۱۱/۲
دانشجو	٤۲	۱۱/۰
بیکار	۱٤۵	۳۷/۹
کارگر	٦٤	۱٦/۷
کشاورز	٦۰	۱۵/۷
کل	۳۸۳	۱۰۰/۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵.

۳ . وضعیت متغیرها و مفاهیم اصلی تحقیق

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی تحقیق در جدول (۵) نشان می‌دهد وضعیت رضایت‌مندی ۲۱/۷ درصد پاسخ‌گویان، در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۵۹/۸۹ درصد در سطح خیلی کم و کم برآورد گردید. در مورد میزان تعارضات واختلافات، وضعیت ۲۰/۳ درصد از پاسخ‌گویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۵۵/۹ درصد در سطح کم و خیلی کم برآورد گردید. در مورد انسجام اجتماعی، بیش‌ترین فروانی با (۳٤/۸۳درصد) در سطح خیلی زیاد و کم‌ترین فراوانی با (۷/۹۲ درصد) در سطح خیی کم ارزیابی شدند. در مورد متغیّرمشارکت اجتماعی، وضعیّت ۲٤/٤۵ درصد از پاسخ‌گویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۵۷/۹۳ درصد در سطح کم و خیلی کم برآورد گردید. در مورد وضعیّت تمایل به عضویّت در نهادهای محلّی، ۵۵/۱۹ درصد از پاسخ‌گویان با میانگین ٤/۲۱ و انحراف معیار ۳/٤۱، در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲٤/۳۵ در سطح خیلی کم و کم و ۲۰/٤٦ در سطح متوسّط ارزیابی شدند. در مورد وضعیّت میزان مبادله اطّلاعات و دانش، ۵۱/٦۵ درصد از پاسخ‌گویان با میانگین ۳/۸٦ و انحراف معیار ۱/۳٦، در سطح زیاد و خیلی زیاد و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

۲۶/۲۶ درصد در سطح کم و خیلی کم و۲۲/۰۹ در سطح متوسط ارزیابی شدند. در مورد متغیّر اعتماد اجتماعی، ۶۰/۳۶ درصد از پاسخ‌گویان با میانگین ۳/۲۵ و انحراف معیار ۲/۷۴، در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲۳/۰۸ درصد در سطح خیلی کم و کم و ۱۶/۵۶ در سطح متوسّط ارزیابی شدند. در مورد متغیّر میزان روابط افقی بر پایه همکاری، ۵۲/۲۹ درصد از پاسخ‌گویان با میانگین۲/۷۴ و انحراف معیار۱/۶۵، در سطح زیاد وخیلی زیاد و ۲۴/۳۲ در سطح خیلی کم و کم و ۲۳/۳۹ در سطح متوسّط ارزیابی شدند. در مورد متغیّر ارتباطات اجتماعی، بیش‌ترین فراوانی با ۳۴/۲۷ درصد در سطح خیلی زیاد و کم‌ترین فراوانی با ۶/۲۴ درصد در سطح خیلی کم برآورد شدند. در مورد متغیّر میزان آگاهی، بیش‌ترین فراوانی با ۲۹/۹۶درصد در سطح خیلی زیاد و کم‌ترین فراوانی با ۸/۵۲ درصد در سطح خیلی کم برآورد شدند.

جدول (۵): درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای مستقل

ردیف	متغیر	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
		درصد پاسخ‌گویان						
۱	میزان رضایت‌مندی	۳۲/۱۷	۲۷/۷۲	۱۸/۴۱	۱۲/۱۹	۹/۵۱	۵/۸۹	۲/۳۹
۲	میزان تعارضات و اختلافات	۳۰/۸۱	۲۵/۰۹	۲۳/۸	۱۳/۸۲	۶/۴۸	۵/۳۵	۱/۸۷
۳	انسجام اجتماعی	۷/۹۲	۱۰/۷۳	۱۹/۳۸	۲۷/۱۴	۳۴/۸۳	۴/۹۷	۳/۲۵
۴	مشارکت اجتماعی	۳۳/۰۸	۲۴/۸۵	۱۷/۶۲	۱۴/۴۲	۱۰/۰۳	۴/۷۵	۲/۶۸
۵	تمایل به عضویّت در نهادهای محلّی	۶/۵۴	۱۷/۸۱	۲۰/۴۶	۲۳/۹۳	۳۱/۲۶	۴/۲۱	۳/۴۱
۶	میزان مبادله‌ی اطلات و دانش	۱۱/۲۸	۱۴/۹۸	۲۲/۰۹	۲۷/۳۸	۲۴/۲۷	۳/۸۶	۱/۳۶
۷	اعتماد اجتماعی	۱۳/۳۲	۹/۷۶	۱۶/۵۶	۲۸/۴۸	۳۱/۸۸	۳/۲۵	۲/۷۴
۸	میزان روابط افقی بر پایه‌ی همکاری	۹/۴۵	۱۴/۸۷	۲۳/۳۹	۲۵/۴۶	۲۶/۸۳	۲/۷۴	۱/۶۵
۹	ارتباطات اجتماعی	۶/۲۴	۲۱/۴۹	۲۴/۳۱	۱۳/۶۹	۳۴/۲۷	۲/۴۶	۲/۳۲
۱۰	میزان آگاهی	۸/۵۲	۱۰/۹۳	۲۱/۰۸	۲۹/۵۱	۲۹/۹۶	۲/۱۵	۱/۱۲

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵ .

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی تحقیق در جدول (٦) نشان می‌دهد وضعیّت شفّافیّت، ٥٤/٦٨ درصد پاسخ‌گویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲۳/۸ درصد در سطح خیلی کم و کم برآورد گردید. در مورد مشارکت وضعیّت، ٦۰/۰٤ درصد از پاسخ‌گویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲۱/۸۷ درصد در سطح کم و خیلی کم برآورد گردید. در مورد حاکمیّت قانون، بیش‌ترین فروانی با (۳۱/۹۷ درصد) در سطح خیلی زیاد و کم‌ترین فراوانی با (۷/۳۹ درصد) در سطح کم ارزیابی شدند. در مورد متغیّر عدالت، وضعیّت ٥۷/٤۱ درصد از پاسخ‌گویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲٤/۹۸ درصد در سطح کم و خیلی کم برآوردشد. در مورد وضعیّت مسؤولیّت‌پذیری، ٥٤/۲٤ درصد از پاسخ‌گویان با میانگین ۳/۷٤ و انحراف معیار ۱/٤۲ در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲٦/۱۳ درصد در سطح خیلی کم و کم و ۱۹/٦۳ درصد در سطح متوسّط ارزیابی شدند. در مورد وضعیّت پاسخ‌گویی، ٦۰/۲۲ درصد از پاسخ‌گویان با میانگین ۳/۲٦ و انحراف معیار ۳/۸۱، در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۱۸/٤۷ درصد در سطح کم و خیلی کم و۲۱/۳۱ درصد در سطح متوسّط ارزیابی شدند. در مورد متغیّر کارآیی و اثربخشی، ٥۹/٥۹ درصد از پاسخ‌گویان با میانگین ۳/۱٥ و انحراف معیار ۲/٦٥، در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲۲/۰٦ درصد در سطح خیلی کم و کم و ۲۱/۳٥ درصد در سطح متوسط ارزیابی شدند. در مورد متغیّر اجماع‌پذیری، ٥۸ درصد از پاسخ‌گویان با میانگین۲/۸۹ و انحراف معیار۲/۱٥، در سطح زیاد وخیلی زیاد و ۲٤/٥۷ درصد در سطح خیلی کم و کم و ۱۷/٤۳ درصد در سطح متوسّط ارزیابی شدند. در مورد متغیّر انعطاف‌پذیری، بیش‌ترین فراوانی با ۳۰/٥۹ درصد در سطح خیلی زیاد و کم‌ترین فراوانی با ۱۰/۷۳ درصد در سطح کم برآورد شدند. در مورد متغیّر نظارت، بیش‌ترین فراوانی با ۳۳/۲۲ درصد در سطح خیلی زیاد و کم‌ترین فراوانی با ۸/۷٥ درصد در سطح متوسّط برآورد شدند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

جدول (٦): درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای وابسته

ردیف	متغیر	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
		درصد پاسخ‌گویان						
۱	شفافیت	۸/۳۲	۱۵/٤۸	۲۱/٥۲	۲٥/۷۳	۲۸/۹٥	٤/۹۷	۱/٦٥
۲	مشارکت	۹/٥٦	۱۲/۳۱	۱۸/۰۹	۲۲/٦۲	۳۷/٤۲	٤/۸۳	۲/٥٤
۳	حاکمیت قانون	۱۳/۲۷	۷/۳۹	۱۷/٤۸	۲۹/۸۹	۳۱/۹۷	٤/۳۲	۳/۳٦
٤	عدالت	۱۰/٤۲	۱٤/٥٦	۱۷/٦۱	۳۰/٥۲	۲٦/۸۹	۳/۹۸	۱/۷٥
٥	مسؤولیّت‌پذیری	۱۱/۸۱	۱٤/۳۲	۱۹/٦۳	۲۹/٤۷	۲٤/۷۷	۳/۷٤	۱/٤۲
٦	پاسخ‌گویی	٦/۹۱	۱۱/٥٦	۲۱/۳۱	۲٥/۸۱	۳٤/٤۱	۳/۲٦	۳/۸۱
۷	کارآیی و اثربخشی	٥/۱۷	۱٦/۸۹	۲۱/۳٥	۲٤/۸۹	۳۱/۷	۳/۱٥	۲/٦٥
۸	اجماع‌پذیری	۱٤/۷٦	۹/۸۱	۱۷/٤۳	۳۰/٦۲	۲۷/۳۸	۲/۸۹	۲/۱٥
۹	انعطاف‌پذیری	۱۷/۸۱	۱۰/۷۳	۱۳/۹	۲٦/۹۷	۳۰/٥۹	۲/٤٥	۱/۹۱
۱۰	نظارت	۱۹/۲۷	۱۳/٦۸	۸/۷٥	۲٥/۰۸	۳۳/۲۲	۲/۱۲	۱/۱۷

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹٥ .

ب) یافته‌های استنباطی تحقیق

بررسی نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف- اسمیرنوف

مطابق جدول (۷)، نتایج حاصل از آزمون کولموگروف- اسمیرنوف نشان می‌دهد که همه‌ی متغیّرهای تحقیق از توزیع نرمال برخوردار هستند. همان‌طور که مشاهده می‌شود مقدار سطح معناداری در تمام متغیرها بزرگتر از مقدار خطا (۰/۰٥) است. بنابر این در سطح معناداری ۹٥٪ فرض صفر پذیرفته می‌شود. یعنی توزیع این نمونه، نرمال است. لذا می‌توان برای بررسی روابط بین متغیّرهای تحقیق از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

جدول (۷): نتایج آزمون کولموگروف- اسمیرونوف

متغیر	سطح معناداری	میزان خطا	آماره کولموگروف- اسمیرونوف	نتیجه‌گیری
میزان رضایت‌مندی	۰/۱۰۰	۰/۰۵	۱/۲۲٤	نرمال
میزان تعارضات و اختلافات	۰/۱۳۵	۰/۰۵	۱/۱۲۲	نرمال
انسجام اجتماعی	۰/۱۲۰	۰/۰۵	۱/۱۸۷	نرمال
مشارکت اجتماعی	۰/۱۰۷	۰/۰۵	۱/۲۰۲	نرمال
تمایل به عضویت در نهادهای محلّی	۰/۸۰۸	۰/۰۵	۱/۲۷۷	نرمال
میزان مبادله‌ی اطلات و دانش	۰/۲۳۰	۰/۰۵	۱/۰٤۱	نرمال
اعتماد اجتماعی	۰/۱۲۳	۰/۰۵	۱/۱٦۵	نرمال
میزان روابط افقی بر پایه‌ی همکاری	۰/۱۸۵	۰/۰۵	۱/۱۸۷	نرمال
ارتباطات اجتماعی	۰/٦۸۵	۰/۰۵	۱/۲۲۲	نرمال
میزان آگاهی	۰/۲٤۵	۰/۰۵	۱/۲۱۱	نرمال
میزان رضایت‌مندی	۰/۷٦۵	۰/۰۵	۱/۰۹۸	نرمال

منبع: یافته‌های پژوهش،۱۳۹۵

با توجه به اطّلاعات مندرج در جدول (۸)، نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که رابطه بین متغیّرهای میزان آگاهی، اعتماد اجتماعی، تمایل به عضویّت در نهادهای محلّی، میزان آگاهی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، مبادله‌ی اطّلاعات و دانش و اعتماد اجتماعی در سطح ۱ درصد خطا مثبت شده و رابطه‌ی بین متغیّرهای ارتباطات اجتماعی و میزان روابط افقی بر پایه‌ی همکاری با متغیّر حکمروایی روستایی در سطح ۵ درصد خطا مثبت شده است و ضمن این که بین متغیّرهای میزان تعارضات و اختلافات و رضایت‌مندی با متغیّر حکمروایی روستایی رابطه‌ی معنی‌داری مشاهده نشده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

جدول (۸): محاسبه‌ی ضریب همبستگی متغیّرهای تحقیق

ردیف	متغیّر مستقل	متغیّر وابسته	ضریب همبستگی (r)	مقدارp	توصیف همبستگی
۱	مشارکت اجتماعی	حکمروایی روستایی	۰/۹۲۷	۰/۰۰۰	قوی و هم‌جهت
۲	میزان تعارضات و اختلافات	حکمروایی روستایی	۰/۳۲۷	۰/ ۱۲۵	قوی و هم‌جهت
۳	انسجام اجتماعی	حکمروایی روستایی	۰/ ۷۱٤	۰/۰۰۰	قوی و هم‌جهت
٤	میزان رضایت‌مندی	حکمروایی روستایی	۰/۲۵۷	۰/۲۱٤	قوی و هم‌جهت
۵	تمایل به عضویّت در نهادهای محلّی	حکمروایی روستایی	۰/۷۹۵	۰/۰۰۰	قوی و هم‌جهت
٦	میزان مبادله‌ی اطّلاعات و دانش	حکمروایی روستایی	۰/۹۳٦	۰/۰۰۰	قوی و هم‌جهت
۷	اعتماد اجتماعی	حکمروایی روستایی	۰/۷۸۹	۰/۰۰۰	قوی و هم‌جهت
۸	میزان روابط افقی بر پایه‌ی همکاری	حکمروایی روستایی	۰/۳۱۱	۰/۰٤۵	قوی و هم‌جهت
۹	ارتباطات اجتماعی	حکمروایی روستایی	۰/۲۳۵	۰/۰۲۵	نسبی و هم‌جهت
۱۰	میزان آگاهی	حکمروایی روستایی	۰/۷۸۱	۰/۰۰۰	قوی و هم‌جهت

منبع: یافته‌های پژوهش،۱۳۹۵

همان‌طور که جدول (۹) نشان می‌دهد براساس نتایج رگرسیون چندگانه ضریب همبستگی برای متغیّر حکمروایی روستایی ۰/۸۹ است به این معنا که ده متغیّر(اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، میزان تعارضات و اختلافات، میزان رضایت‌مندی، میزان آگاهی، ارتباطات اجتماعی، میزان روابط افقی بر پایه‌ی همکاری، میزان مبادله‌ی اطّلاعات و دانش، تمایل به عضویت در نهادهای محلّی) به میزان ۰/۸۹ با متغیّر وابسته حکمروایی روستایی همبستگی دارند. ضریب تعیین‌شده (واریانس تبیین شده) نیز ۰/۸٤ هست و با توجّه به جدول تجزیه واریانس (Sig= 0.000) ارتباط بین متغیّرها معنادار است و تمام متغیّرهای مستقل انتخاب‌شده در این تحقیق ۰/۸٤ (R^2=۰/۸٤)، علل تحقّق حکمروایی روستایی را شامل می‌شوند؛و ۰/۱۱۷ باقیمانده مربوط به علل دیگر است. البته پایین بودن میزان R^2 به این دلیل هست که تنها از ده مؤلّفه سرمایه‌ی اجتماعی در تحقیق استفاده شده است. اگرچه با استفاده از متغیّرهای دیگر می‌توان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

کارایی مـدل و میـزان R^2 را افـزایش داد. در جـدول زیـر F برابـر بـا ۷۱/٦٥ اسـت کـه در سـطح (Sig=0.000) معنـادار اسـت و ایـن رابطـه خطّـی متغیّرهـای مسـتقل و متغیّـر وابسـته را تأییـد می‌کند؛بنابراین متغیّرهای (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، میزان تعارضـات و اختلافات، میزان رضایت‌مندی، میزان آگاهی، ارتباطات اجتماعی، میزان روابـط افقـی بـر پایـه‌ی همکاری، میزان مبادله‌ی اطلاعات و دانش، تمایل به عضویّت در نهادهای محلّـی) بـر حکمروایـی روستایی تأثیر می‌گذارند.

جدول (۹): رگرسیون چندگانه

رگرسیون	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل‌شده	سطح خطای معیار تعیین
مدل اینتر	۰/۸۹۲	۰/۸٤۱	۰/۷۹۸	۰/٤٥۸۹۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹٥.

جدول (۱۰): خروجی تحلیل واریانس

	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره f	سطح معناداری
بین‌گروهی	۱٤۲/۲۳	۲	۱٦/٥٥	۷۱/٦٥	۰/۰۰۰
درون‌گروهی	۲٥/٤٥	۳۸۰	۰/۲۳۸		
کل	۱۷٦/٦۸	۳۸۲			

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹٥.

مطابق جدول (۱۱)، برای بررسی اهمّیّت نسـبیّ متغیّرهـای مسـتقل در پـیش‌بینـی حکمروایـی روستایی از مقادیر ضرایب رگرسیونی استاندارد شده استفاده گردیـد. ده متغیّـر مسـتقلّ سـرمایه‌ی اجتماعی وارد معادله شدند. مقادیر جدول ضرایب نشان مـی‌دهـد کـه متغیّـر مشـارکت اجتمـاعی به‌طور معنادار متغیّر وابسته حکمروایی روستایی را پیش‌بینی می‌کند به این معنا که متغیّـر فـوق در سطح معنی‌داری (Sig= 0.000) با متغیر وابسته رابطه داشته‌اند؛ اما اینکه کدام‌یک از این متغیّرهـای مستقل مهم و نقش بیش‌تری در تبیین متغیّر وابسته دارند باید از طریق مقادیر Beta تشـخیص داد. این مقادیر استاندارد شده بود و امکان مقایسه و تعیـین سـهم نسـبی هریـک از متغیّرهـا را فـراهم

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

می‌سازد. با توجه به جدول می‌توان گفت که نقش مشارکت اجتماعی (Beta= 0.548) بیش‌تر از نقش سایر متغیرهاست. این عدد نشانگر این است که به ازای هریک واحد تغییر در انحراف معیار مشارکت اجتماعی به اندازه ۰/۵٤۸ در انحراف معیار متغیّر وابسته تغییر ایجاد می‌کند.

جدول شماره (۱۱):معیارهای واردشده به معادله رگرسیون برای تبیین حکمروایی روستایی

ردیف	معیار	ضریب B	ارزش Beta	رتبه اثرگذاری معیارها	آمار T	سطح معناداری
۱	Constant (ثابت)	۲/۰۸	–	–	–۳/۹٤	۰/۰۰۰
۲	مشارکت اجتماعی	۰/۸٦۹	۰/۵٤۸	۱	۸/٦٦	۰/۰۰۰
۳	تمایل به عضویّت در نهادهای محلّی	–۰/۳۷۲	–۰/۱٤۰	۲	–۳/۵۷	۰/۰۰۱
٤	اعتماد اجتماعی	–۰/۳٤٦	–۰/۱۳۹	۳	–۲/۹۵	۰/۰۰٤
۵	انسجام اجتماعی	–۰/۰٦۷	–۰/۰٦۲	٤	–۱/۲۸	۰/۲۰۱
٦	میزان رضایتمندی	۰/۱۳۳	۰/۰٦۲	٤	۱/۳۸	۰/۱٦۸
۷	میزان رابطه افقی بر پایه‌ی همکاری	–۰/۰۷۵	–۰/۰٤۸	٦	–۱/۵۰	۰/۱۳٦
۸	ارتباطات اجتماعی	۰/۰۷٦	۰/۰٤۷	۷	۱/۲۲	۰/۲۲٤
۹	میزان آگاهی	–۰/۱۰۰	–۰/۰٤۳	۸	–۱/۰٦	۰/۲۹۰
۱۰	میزان مبادله‌ی اطّلاعات و دانش	–۰/۰۵۰	–۰/۰۳۲	۹	–۰/۷٤۱	۰/٤٦۰
۱۱	میزان تعارضات	–۰/۰٤۳	–۰/۰۲۹	۱۰	–/۰٦۹	۰/۵۹٦

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵ .

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجّه به این‌که، روزبه‌روز بر مسائل و مشکلات اداره‌ی روستاهای کشور افزوده می‌شود، به‌کارگیری اصول حکمروایی روستایی به‌عنوان ضرورت انکارناپذیر مدیریّت روستاها مورد قبول واقع‌شده است چون که حکمروایی روستایی به عنوان فرآیندی نوین در حکومت با دارا بودن شاخص‌های خاص خود می‌تواند مباحث نوینی در زمینه‌یمدیریّت روستایی مطرح کند و سبب توانمندسازی ساکنین نواحی روستایی در زمینه‌های متفاوت مدیریّت اعمّ از تصمیم‌سازی، اجرا و ارزیابی گردد. بنابراین رویکرد حکمروایی روستایی مبنایی مطلوب در روند توسعه‌ی پایدار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فضایی و سرزمینی و مدیریّت نوین روستایی کشور است. سیر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

مباحث شکل‌گیری حکمروایی بیان‌گر تحوّلی بنیادی در ساختار حکومت نواحی روستایی است که بر اساس آن، گذار از دوره‌های ماقبل حکمروایی یعنی پدرسالاری و دولت‌گرایی به حکمروایی، نویددهنده‌ی تغییر ساختار مدیریّتی و دیدگاه‌های توسعه‌ی روستایی شده است. به عبارت دیگر، مدیریّت اثربخشی روستایی نیازمند بهره‌گیری از الگوها و رویکردهای مدیریّتی و نهادی نوین است. یکی از این الگوها، حکمروایی خوب، شفّافیّت، مشارکت، مسؤولیّت‌پذیری، پاسخ‌گویی، قانون‌مندی، توافق جمعی، کارآیی، اثربخشی و عدالت‌محوری است. پیاده‌سازی این الگو نیازمند بهره‌گیری مقتضی از سرمایه‌های محلّی، به‌ویژه سرمایه‌ی اجتماعی است. سرمایه‌ی اجتماعی، شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین‌فردی و بین‌گروهی و تعاملات افراد با گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و قرین همبستگی و انسجام اجتماعی است و سبب برخورداری افراد و گروه‌ها از حمایت اجتماعی و انرژی لازم برای تسهیل کنش‌ها در جهت تحقّق اهداف فردی و جمعی می‌گردد. گفتنی است که یکی از نهادهای مدیریّتی در روستاها، شورای اسلامی است. شورای اسلامی، نهادی مشارکتی است که از طریق آن تلاش‌های مردم روستایی برای بهبود شرایط در ابعاد مختلف انجام گرفته و هماهنگ می‌شود. شوراهای اسلامی روستا می‌توانند خواسته‌های مردم از دولت را تعدیل نموده و حضور آن‌ها در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی را نهادینه کنند و افزون بر کاستن نارضایتی مردم، ظرفیّت پاسخ‌گویی دولت را افزایش دهند. البته عملکرد شورای اسلامی در عمل در گروی کارآیی دهیاری است که بازوی اجرایی مدیریّت روستایی به‌شمار می‌رود. به طور کلی موّفقّیت مدیریّت روستایی نیازمند همکاری و هماهنگی آن با سازمان‌های دولتی مسؤول و تشکّل‌های فعّال در سطح روستا از یک سو (مشارکت نهادمند) و بهره‌گیری از ظرفیّت همیاری و همکاری ریشه‌دار در روستاها (مشارکت محلی اجتماعی) از سوی دیگر است. هر بعد ذیل مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی روستایی قابل‌توجه است و در این خصوص، عقیده بر این است که با افزایش سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه و بالارفتن مشارکت اجتماعی شهروندان، همکاری و تعامل دهیاری و مردم افزایش خواهد یافت. سرمایه‌ی اجتماعی، به مشارکت فعال در سیاست‌های شهروندان روستایی منجر می‌شود و این فرصت را برای شهروندان روستایی فراهم می‌نماید که در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت فعّال داشته باشند. به عبارتی با افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان روستایی، هزینه‌ی اجرای قوانین و سیاست‌های دهیاری کاهش می‌یابد. بدین شکل که با افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و تعامل دهیاری و مردم در پروژه‌های مشترک، فضیلت مدنی در بین شهروندان روستایی نهادینه شده و به بهبود حکمروایی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

روستایی کمک می‌کند. در این تحقیق نیز سعی بر این بود تا بهبود حکمروایی روستایی از طریق ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی در روستاهای شهرستان اردبیل مورد بررسی قرار گیرد. از این‌رو به منظور تحلیل روابط بین متغیّرهای سرمایه‌ی اجتماعی و حکمروایی روستایی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. میزان سرمایه‌ی اجتماعی محاسبه‌شده در این روستا در حد ٤/١٢ برآورد شده است. هم‌چنین با توجه به یافته‌ها، رابطه معناداری میان هریک از مؤلّفه‌های شفّافیّت، مشارکت، حاکمیت قانون، عدالت، مسؤولیّت‌پذیری، پاسخ‌گویی، کارآیی و اثربخشی، اجماع‌پذیری، انعطاف‌پذیری و نظارت بر سرمایه‌ی اجتماعی در این روستاهای شهرستان اردبیل دیده می‌شود به‌نحوی‌که افزایش یا کاهش هریک از این مؤلّفه‌های سرمایه اجتماعی منجر به افزایش یا کاهش حکمروایی خوب در کل می‌گردد. نتایج این تحقیق با مطالعات رحمانی فضلی و همکاران (١٣٩٣)، زیلابی (١٣٩٤)، بولز و گینتیز (٢٠٠٥) و فرانک و همکاران (٢٠١٤) هم‌خوانی دارد. به دلیل تأثیر مهمّ سرمایه‌ی اجتماعی بر حکمروایی روستایی می‌توان از طریق ارتقاء سرمایه اجتماعی و افزایش مشارکت مردمی، به حکمروایی مطلوب مناطق روستایی شهرستان اردبیل مساعدت کرد و افزون بر این، در خصوص وجود رابطه‌ی معنی‌دار بین متغیّرهای مشارکت اجتماعی و حکمروایی مطلوب روستایی باید گفت که مشارکت لازمه حکمروایی می‌باشد. به این دلیل که مشارکت علاوه بر به‌وجود آوردن آثار مثبت در جامعه‌ی روستایی، روحیه‌ی همکاری دسته جمعی، رشد استعدادها و خلّاقیّت‌ها، پاسخ‌گویی، انعطاف‌پذیری، احساس مسؤولیّت‌پذیری و متعهد بودن را که لازمه‌ی حکمروایی خوب مناطق روستایی است افزایش می‌دهد و افزون بر این، هرچه میزان مشارکت اجتماعی در حکمروایی روستایی رنگ بیش‌تری به خود گیرد قدرت تأثیرگذاران (جوامع روستایی) بر تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌هایی که به سرنوشت خودشان مربوط می‌شود، بیش‌تر شده و حکمروایی خوب روستایی محقق می‌گردد. به باور چمبرز (١٩٩٦)، مشارکت روستاییان در مدیریّت و تصمیم‌گیری‌ها به مثابه سرمایه‌ی اجتماعی، شرط لازم حکمروایی مطلوب روستایی است و زمینه‌ی توسعه‌ی پایدار مناطق روستایی را تسهیل می‌کند. در خصوص پیوند اعتماد اجتماعی و تقویّت حکمروایی مطلوب روستایی باید گفت که به باور ریتر (٢٠١٥)، بین بهبود اعتماد اجتماعی و حکمروایی مطلوب روستایی به دلیل جلب اعتماد روستاییان به مجریّان توسعه‌ی روستایی، ارتقای تبادل تجربه‌ی پنهان بین روستاییان در مدیریّت روستایی، تقویّت اعتماد متقابل و خیرخواهی در بین روستاییان و تقویّت انسجام و همبستگی درون‌گروهی جوامع روستایی رابطه وجود دارد. فرانک و همکاران (٢٠١٤)، در یافته‌های خود به این نتیجه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

رسیدند که هرچه روستاییان در فعّالیّت‌های توسعه‌ای مناطق روستایی بیش‌تر مشارکت کنند و نیز روابط شخصی خودشان را نسبت به هم‌دیگر بیش‌تر تقویت نمایند و متعاقب آن، به کارآیی نهادهای دولّتی در مناطق روستایی عنایت بیش‌تری داشته باشند به همان میزان مدیریّت توسعه‌ی مناطق روستایی تسهیل می‌شود. به زعم پاتر (۲۰۱۵)، بین اعتماد اجتماعی و حکمروایی مطلوب روستایی از منظر تشکیل سازمان‌های غیر دولتی، تبادل اجتماعی بالا و تعامل همکارانه در بین روستاییان، جاری و ساری شدن عنصر صداقت در بین روستاییان و تسهیل امور، کاهش ستیز و تضادهای قومی، مشارکت در حوادث غیرمترقّبه، میزان روابط افقی بر پایه‌ی همکاری و مسؤولیّت‌پذیری در مناطق روستایی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. در نهایت پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می‌شود. در خصوص ارتباط بین عضویّت در نهادهای محلّی و تقویّت حکمروایی مطلوب روستایی باید گفت که اندیشمندان از زوایای گوناگونی به اهمیّت نهادهای مدنی و نقش آن در حکمروایی خوب پرداخته‌اند که در آن بین در خصوص اهمیّت عضویّت انسان‌ها در نهادهای مدنی هابز براین باور است که تمام انسان‌ها با عقل و شعور متولد می‌شوند و باید اجازه داشته باشند، سرنوشت خود را تعیین کنند. به زعم روسو، خردگرایی درونی یا «ذاتی» در جامعه مدنی وجود دارد که به نفع عموم مردم است. جان لاک چنین استدلال می‌کند که در جامعه‌ای که تمامی افراد از کنترل دولت آزاد باشند می‌توانند منافع خود را به بهترین شکل ممکن پی بگیرند. توکویل در خصوص اهمیّت تشکّل‌های مدنی بر این باور است که تشکّل‌ها، مردم را قادر می‌سازد با هم در کنش و واکنش قرار بگیرند، احساسات و ایده‌های‌شان در مراوده‌های خصوصی بازسازی شود، اهل مدارا بشوند و شناخت‌شان از یکدیگر بالاتر برود. از منظر گرامشی جامعه مدنی عرصه‌ی زندگی اجتماعی و خصوص شهروندان است، که بر خلاف جامعه‌ی سیاسی (دولت)، نه با زورمداری، بلکه با توافق جمعی میان شهروندان همراه است. با عنایت به نظریه‌های مزبور چنین استنباط می‌شود که حکمروایی خوب سکونتگاه‌های انسانی اعم از شهر و روستا بدون تقویّت تشکّل‌ها و نهادهای مدنی آب در هاون کوبیدن است و از آن جایی که دولت فقط به قدرت خود و ثروتمندان تنها به ثروت خود می‌اندیشند تنها جامعه‌ی مدنی است که می‌تواند تعادلی در این بین ایجاد کرده و حقوق شهروندان سکونتگاه‌های انسانی را تأمین کند.

در خصوص ارتباط معنی‌دار بین متغیّرهای مشارکت اجتماعی و حکمروایی خوب روستایی بر مسؤولان مربوطه است که امکان مشارکت بیش‌تر روستاییان را در جلسات تصمیم‌گیری، ارائه‌ی پیشنهادات و مشورت با آن‌ها فراهم کنند. افزون بر این دولت باید با اقدام مداخله‌ای خود

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

تمهیداتی بیندیشد تا فرهنگ مشارکت از طریق رسانه‌های جمعی، مروّجین کشاورزی و شوراها و دهیاری‌های روستا به روستاییان آموزش داده شود تا برای پذیرش مشارکت آمادگی کافی را داشته باشند. در این ارتباط باید سعی شود که نوع مشارکت روستاییان صرفاً از نوع مشارکت ابزاری نباشد به عبارتی مشارکت طوری باشد که رضایت روستاییان جلب شود و در عمل وضعیّت روستاییان را بهبود بخشد. در نهایت، جهت تقویّت مشارکت اجتماعی و به تبع آن تحقّق حکمروایی مطلوب مناطق روستایی شهرستان اردبیل، مهندسین فرهنگی و برنامه‌ریزان اجتماعی با زمینه‌سازی برای افزایش مشارکت در بین مردم روستایی منطقه‌ی مورد مطالعه در مناسبت‌ها و موقعیت‌های مختلف و به صحنه کشیدن مردم روستایی برای کارهای جمعی و عمومی می‌توانند گام مؤثّری در این زمینه بردارند.

در خصوص ارتباط معنی‌دار بین متغیّرهای اعتماد اجتماعی و حکمروایی خوب روستایی بر متولّیان توسعه روستایی است که زمینه‌ی تقویّت اعتمادزایی، توانمندسازی، تولید هنجارهای مولّد اعتماد در مناطق روستایی، بهبود هنجارهای رفتاری، تقویّت انسجام اجتماعی و همبستگی اجتماعی روستاییان به وسیله‌ی رسانه‌های جمعی، ارتباطات میان‌فردی و ارتباطات اجتماعی و بهبود کیفیّت تعاملات اجتماعی در مناطق روستایی را فراهم کنند و نیز، با توجه به بافت دینی سکونتگاه‌های روستایی، از طریق هنجارهایی که ریشه در مذهب و سنّت دارند از قبیل؛ قابل اعتماد بودن، وفای به عهد، درستکاری و نظایر این‌ها می‌توان به افزایش سرمایه اجتماعی در راستای ارتقای اعتماد اجتماعی در جامعه‌ی روستایی شهرستان اردبیل کمک کرد و از بروز برخی از کنش‌های ضد اجتماعی (مانند دروغ‌گویی، خیانت در امانت، سودجویی و ...) جلوگیری نمود. علاوه بر این با استناد به نتایج تحقیق توصیه می‌شود در راستای بهبود حکمروایی مناطق روستایی شهرستان اردبیل به نهادهای جامعه‌پذیرکننده‌ی جامعه‌ی روستایی عنایت خاصی مبذول گردد به این دلیل که نهادهای جامعه‌پذیرکننده‌ی جامعه‌ی روستایی شهرستان اردبیل (خانواده، مدارس، رسانه‌ها و...) نیز می‌توانند با برجسته نشان دادن ملزومات زندگی روستایی زمینه‌ی احترام و رعایت قواعد غیررسمی را در جامعه‌ی روستایی فراهم کنند، زیرا پایبندی به قواعد، زمینه‌ی افزایش اعتماد نهادی را فراهم می‌کند و اعتماد نهادی می‌تواند به بهبود حکمروایی مناطق روستایی بینجامد.

در خصوص ارتباط معنی‌دار بین متغیّرهای عضویّت در نهادهای محلّی و حکمروایی خوب روستایی بر مسؤولان و متولّیان توسعه‌ی روستایی است که بستر لازم را برای تقویت شبکه‌ها و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

انجمن‌های محلّی، انجمن‌های مدنی داوطلبانه، تقویّت هنجارهای تعاونی و تقویّت شبکه‌های غیردولتی تدارک ببینند. افزون بر این، بررسی اسناد نشان می‌دهد که عضویَت در نهادها باعث افزایش روابط و هم‌چنین افزایش میزان آگاهی، اعتماد و مشارکت افراد روستایی می‌شود و در نتیجه سطح سرمایه‌ی جتماعی ارتقا پیدا کرده و اثرات آن در تحقّق حکمروایی خوب مناطق روستایی محقّق می‌شود.

در پایان، توصیه می‌شود در تداوم این پژوهش بررسی رابطه‌ی میان حکمروایی خوب با سطح توسعه‌یافتگی و اثربخشی فعالیت‌های عمرانی در مناطق روستایی، آسیب‌شناسی قوانین و مقرَرات روستایی از منظر حکمروایی خوب و شناسایی و معرفی تجربه‌های موّفق مدیریّت روستایی از منطر حکمروایی خوب و مطالعه در سایر مناطق، برای دست‌یابی به الگوی جامع برای حکمروایی خوب در مناطق روستایی در اولویت سایر پژوهشگران قرار بگیرد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

فهرست منابع

۱. ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۹) «سنجش و تحلیل ویژگی‌های کارآفرینی دهیاران با تأکید بر عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دهیاران روستاهای شهرستان میاندوآب)»، **پژوهش‌های روستایی**، دوره ۱، شماره ۱، صص ٦٦-۹۷.

۲. بدری، سید علی؛ قدیری معصوم؛ مجتبی، فرهادی، صامت و اسکندری، حافظ (۱۳۹۰) «مطالعه‌ی تطبیقی مدیریّت روستایی ایران و چین با رویکرد حکمروایی»، **فصلنامه روستا و توسعه**، شماره۳، صص٦۹-۹۱.

۳. پور موسوی، سید فتح‌الله (۱۳۸۱) «جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۲٦، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

٤. پیران، پرویز؛ موسوی؛ میرطاهر و شیانی، ملیحه (۱۳۸٦) «کارپایه مفهومی و مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی یا تأکید بر ایران»، **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال ٦، شماره ۲۳، صص ۹-٤٤.

۵. حیدری ساربان، وکیل (۱۳۹٤) **توسعه روستایی با تأکید بر الزامات مدیریّتی**، انتشارات دانشگاه محقق اردبیلی.

٦. دربان آستانه، علیرضا؛ رضوانی؛ محمدرضا، مطیعی لنگرودی، سید حسن و بدری، سید علی (۱۳۹۰) «تبیین عوامل مؤثر بر حکمروایی روستایی در حکومت‌های محلی؛ مطالعه موردی: شهرستان قزوین»، **فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، شماره ۷۳، صص ۹۹-۱۱۸.

۷. دل‌فروز، محمدتقی (۱۳۸۷) «**اعتماد و سرمایه اجتماعی**»، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۸. رحمانی فضلی، عبدالرضا؛ صادقی، مظفر؛ و علیپوریان، جهانبخش (۱۳۹۳) «بنیان‌های نظری حکم‌روایی خوب در فرآیند مدیریّت روستایی نوین»، فصلنامه مدیریّت شهری، شماره ۳۷، صص ٤۳-٥٤.

۹. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ پورطاهری، مهدی و فرخی سیس، سعیده (۱۳۹۲) «تحلیل عملکرد شوراهای حل اختلاف در تعالی مدیریّت توسعه روستایی؛ مطالعه موردی: روستاهای شهرستان شبستر»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، شماره اول، صص ١٦٦-١٨٤.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

۱۰. رکن‌الدین افتخاری؛ عبدالرضا، عظیمی آملی؛ جلال پورطاهری، مهدی و احمدی پور، زهرا (۱۳۹۰) «تبیین رابطه رهیافت حکمروایی خوب و توسعه پایدار روستایی در مناطق روستایی استان مازندران»، **پژوهش‌های روستایی**، شماره چهاردهم، صص ۱-۳٤.

۱۱. زاهدی، سیدمحمد (۱۳۸٦) «ابعاد مدل‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی»، **فصلنامه مطالعات مدیریّت**، شماره ۵۵، صص ۳۹-٦٤.

۱۲. زیلابی، گل صنم (۱۳۹٤)، «**نقش سرمایه اجتماعی در حکمرانی مطلوب در روستای توجردی، شهرستان بوانات، استان فارس**»، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی.

۱۳. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۳ «سرمایه اجتماعی در حال فرسایش است»، کتاب ماه علوم اجتماعی (مهر و آبان)، صص ۱۵-۱۷.

۱٤. عباسی، رسول؛ و فراستخواه، مقصود (۱۳۹۳)، «تحلیل فازی و عوامل موثر بر توازن بین برابری آموزش عالی و توسعه اقتصادی در سطح کلان (یک رویکرد تطبیقی)»، **پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر**، دوره ۳، شماره۵، صص ۲۵-۵۰.

۱۵. عربشاهی، زهرا (۱۳۸۳) «قانون برنامه چهارم زیر ذره‌بین حکمروایی خوب شهری»، **شهرداری‌ها**، سال٦، شماره٦۹، صص ۱-۳۵.

۱٦. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹) «**پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن**»، ترجمه غلامعباس توسلی، جامعه ایرانیان، تهران.

۱۷. میری، غلامرضا؛ جوان، جعفر؛ افراخته، حسن؛ ولایتی، سعدالله و شایان، حمید (۱۳۸۹) «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی»، **فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای**، شماره ۱٤، صص ۲۹-٤۹.

۱۸. هابرماس، یورگن (۱۳۸٤) «نظریه کنش ارتباطی: جهان زیست و نظام»، ترجمه کمال پولادی، تهران: **روزنامه ایران**.

۱۹. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵) «**سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی**»، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران: علمی.

20. *Boninge*r, T., (1991), Decentralization, local governance and rural development, **Journal of Rural Management**, 5 (6), pp.10- 25.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

21. Basile, E, Claudio, R., (2007), **Building social capital inrural areas: does public Action Help?,** Restructuring in Marginal Rural Areas (RESTRIM) –The International centre for developments, University of Aberdeen, GB
22. Borudieu, P., (1985), **the forms of capital, in hand book of theory and research of sociology of education**, New York: Green Wood.
23. Bowles, S, Gintis, H., (2005), Social capital and community governance, **The Economic Journal,** 1 (12), pp. 419-136.
24. Della Lucia, M. Martini, U., (2014), Destination governance. marginal rural areas in Europe, in E. Fayos-sola (ed.), Knowledge management in tourism: policy and governance applications, Bingley: Emerald Group Publishing, 265–281.
25. Devine, J., (2007), Governance, democracy and politics of wellbeing, WeD Working Paper 36 **,Economic and Social Research Council.**
26. Easton, D., (1965), **A Framework for political analysis**,Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice- Hall.
27. Frank, M, Trunfio, M, Della, M., (2014), Social capital and governance for sustainable rural development, **Studies in Agricultural Economics**, 1(15),pp. 104- 110.
28. Gabriel, A, Verba, S., (1963), **The civic culture,** Princeton, NJ: Princeton University Press.Governance, Oxford University Press, Oxford.
29. Grindle, M., (2009), Good enough governance: poverty reduction and reform in developingcountries', governance: **An International Journal of Policy**, Administration, andInstitutions, 17(4), pp. 525-48.
30. Grootart, C., (2001), **Social capital: The missing link"**, in social capital and participation in everyday life", London: Routedge.
31. Hope, S., (2009), 'Capacity development for good governance in Developing Countries:Some Lessons from the Field', **International Journal of Public Administration**, 32(8), pp. 728 - 740.
32. Inkpen, A, Tsang, E ., (2007), Social capital, networks,and knowledge transfer. Academy of Management Review 30(1), 146-165. http://dx.doi.org/10.5465/AMR.2005.15281445.
33. Kenny, C., (2008), 'Internet governance on a dollar a day', information polity: **The InternationalJournal of Government & Democracy in the Information Age**, 12(4), pp. 83-99.
34. Knak, S., (2002), "Aid dependence and quality of governance: cross-country empirical tests", **Southern Economic Joournal**,68 (2), pp. 310-29.
35. Kooiman, J, Bavinck, M, Chuenpagdee, R, Mahon, R, Pullin, R., (2010), Interactive governance and governability: An introduction. T**he Journal of Tran disciplinary Environmental Studies**, 7(1),pp. 1-11.
36. Krause, R, Handfield, R, Tyler, B., (2007), "The relationships between supplier development, commitment, social capital accumulation and performance improvement", **Journal of Operations Management**, 2(5), pp. 528–545.
37. Lowndes, V, Wilson, D., (2004), 'Social capital and local governance: exploring theinstitutional design variable', Political Studies, 49(4), pp. 629-635.
38. Martin, J., (2005), **Participation and governance in regional development:global trends in an Australian Context**, Ashgate Publishing Limited, Hampshire.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]

39. Narayan, D, Pritchett, L., (1997), Cents and sociability: household income and social capital in rural Tanzania, **Economic Development and Cultural Change**, 4(7), pp.871-897.
40. Panday, P., (2005), 'Decentralized local government in Bangladesh: Myth or Reality?',**SouthernAfrican Journal of Accountability and Auditing Research**, 2(6), pp.11-22.
41. Pater, F., (2010), **People's participation for good governance: A study of rural development programs in Bangladesh**, Submitted in fulfillment of the requirements for the degree ofDoctor of Philosophy, School of Management and Information Systems Faculty of Business and Law, Victoria University, Bangladesh.
Putnam, R., (1994), making democracy works: **Civic Tradition in Modern Italy**, Princeton: Princeton University Press.
42. Pierre, J., (2000), '**Introduction: understanding governance**', in J Pierre (ed.), Debating Governance Oxford: Oxford University Press.
43. Pollitt, C., (1995), '**Justification by works or by faith?**evaluating the new public management ,'Evaluation, 9(2), pp.133-154.
44. Putnam, R., (1995), **Bowling alone: The collapse revival ofAmerican community**, New York: Simon and Schuster.
45. Ritter, T., (2015), Social capital as a determinant for good governance – An empirical analysis of the 27 EU Member States, 2013 **EGPA Annual Conference, Edinburgh Scotland** – UK, 11-13 September 2013 .
46. Sampson, R., (2005), Civil society rethinking" **American Journal of Sociology**, 111 (3), pp.1-25.
47. Son, J, Lin, N., (2007), Social capital and civic action: A network-based approach**, the journal of Social Science Research,** 5(6), 25-65.
48. Tiepoh, G, Reimer, B., (2007), Social capital, information flows, and income creation inrural Canada: Across community analysis, **Journal of Socio-Economics,** 3 (3), pp. 427-448.
49. United Nations Development Program., (1997),Governance for sustainablehuman development, New York: Oxford University Press.
50. Wordk Bank., (2009),"Thailand social capital Evaluation: A mixeMethods assessment of the social investment" fund's impact on villagesocial capital, available at http://sistere sources.World Bank.**Journal of Socio-economic**,3 (3),pp. 426-427.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-07-05]